



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل: متن قوانین - تصویبنامه ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی - اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آئین نامه ها - بخش نامه ها - آگهی های رسمی و قانونی - سوالات

سال پنجم - شماره ۱۲۸۸

صفحه ۴۴۸۵

پیر شنبه پنجم تیرماه

۳ شنبه ۷ تیرماه ۱۳۲۸

دوره پانزدهم قانونگذاری

شماره مسلسل ۱۷۳۱

روزنامه یومیه

فهرست مندرجات

صورت مشروح مذاکرات صدوهفتاد و هشتمین جلسه دوره پانزدهم	از صفحه ۱ تا ۱۴
قانون	۱۵
آگهی های رسمی	۱۷

مذاکرات مجلس

جلسه ۱۷۸

صورت مشروح مذاکرات جلسه روزیک شنبه پنجم تیرماه ۱۳۲۸

فهرست مطالب:

- ۱ - تصویب صورت مشروح .
- ۲ - تصویب مرخصی آقای دکتر شفق .
- ۳ - طرح بودجه کل کشور و بیانات آقای مکی در کلیات .
- ۴ - تصویب یک دوازدهم .
- ۵ - ادامه مذاکرات در کلیات بودجه .
- ۶ - موقع جلسه بعد - ختم جلسه .

دو ساعت و چهل دقیقه قبل از ظهر مجلس بریاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید

۱ - تصویب صورت مشروح

رئیس - آقای اردلان نسبت بصورت مجلس نظری دارید؟ بفرمائید .

اردلان - دو نکته بود که بنده خواستم در صورت مجلس بعرض ریاست برسانم اول اینکه بودجه مجلس که تصویب شد بنده از آقای نایب رئیس تقاضا کردم که گزارش کمیسیون محاسبات راجع آقای دکتر شفق قرائت بشود چون حقوق همه معین شده و تکلیف حقوق او معلوم نگردیده این موضوع در صورت مجلس نوشته نشده است این است که از مقام ریاست استدعا میکنم این گزارشی که دو سطر است و ایشان هم انجام وظیفه میکنند تکلیف اینکار معین بشود (صحیح است) مطلب دوم این است که آقای وزیر دارائی پشت تریبون فرمودند مجلس شورای ملی عواید خودش را در سال ۱۳۲۷ پرداخت نکرده بنده عرض میکنم خیر پرداخت کرده الان صورتنش هست اجازه بفرمائید بخوانم ، چون یک موضوع مهمی است برای اینکه معلوم شود مجلس شورای

ملی عواید خودش را پرداخت کرده در سال ۱۳۲۷ بابت درآمد چاپخانه مجلس : ۶۰۶۹۳۵۶ ریال بجز آنه داریکل پرداخت شده بابت روزنامه رسمی کشور : ۲۴۰۴۴۴۸ ریال بجز آنه داریکل پرداخت شده که جمعاً ۸۹۰۳۸۰۴ ریال از طرف مجلس شورای ملی بوزارت دارائی پرداخت شده است و رسیدش هم الان موجود است و از بابت سال گذشته ۳ میلیون ریال از دولت طلبکاریم هر وقت که گرفتیم آنرا هم پرداخت میکنیم .

رئیس - آقای دکتر عبده در صورت مجلس نظری دارید ؟
دکتر عبده - خیر در صورت مجلس نظری ندارم .

رئیس - آقای آشتیانی زاده در صورت مجلس فرمایشی دارید؟ بفرمائید .

آشتیانی زاده - بنده در جلسه گذشته که راجع

بآقای آفاسید کمال پیشنهادی داده بودم و مورد موافقت اکثریت مجلس شورای ملی قرار گرفت ضمناً پیشنهاد دیگری هم راجع بآقای حیدرخان باشی داده بودم که متأسفانه نفهمیدم چطور شد قرائت نشد خواستم در ضمن صورت مجلس این موضوع قید شده باشد .

رئیس - اسامی غائبین قرائت میشود :
غائبین با اجازه - آقایان : محمد حسین قشقائی . حاذقی . حسن اکبر . قبادیان . مهندس رضوی . دکتر راجی . رحیمیان . منصف . موسوی . افخمی . اقبال - خسرو هدایت . شهاب خسروانی . نیک پور . علی و کیلی . امامی اهری . حسن مکرّم . عباس فاضلی . حبیب الله امین . عدل اسفندیاری .

غائبین بی اجازه - آقایان : اردشیر شادلو . صدر زاده . جواد گنجی . محمد تقی بهار . دکتر شفق دکتر امینی گلبدادی . عباس اسکندری .

دیر آمدگان با اجازه - آقایان : وثوق . سلطانی محمد ذوالفقاری . نراقی . سزاوار . علی بهبهانی شریعت زاده . علی اکبر ملکی . سالار بهزادی . اسدی دولتشاهی .

دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : دکتر اعتبار معتمد دماوندی . اورنگ . آقاخان بختیار . مسعود ثابتی . خوئیر . خسرو قشقائی .

رئیس - آقای ملک مدنی بفرمائید .

ملک مدنی - بنده در جلسه پیش جمله ای عرض کردم و از هیئت رئیسه خواستم تقاضا کنم اصلاح شود این جا نوشته شده است بنده در بودجه کتابخانه عرض کرده ام که کتابخانه آقای ملک چند خروار کتتاب دارد در صورتیکه بنده عرض کرده بودم چندین هزار

راه سوخته ، دوتا اتوموبیل بیشتر نداشتیم هر دو تاش از بین رفت صورت ظاهرش این است که بگویند که یک آکسیدانی باشد اتفاقی باشد ، تصادفی باشد و بر حسب تصادف از بین رفته است خیر ، وقتی دقیق شوند البته کسی که در بنگاه راه آهن دولتی ایران حق نظارت ندارد تا ببیند که چطور شده از بین رفته .

سیاست در راه آهن دخالت کرده و فلان متصدی برقی که بیست سال بوده است در اتوموبیل کار میکرده یا فلان راننده می که ۲۰ سال بوده است رانندگی کرده است این چون در فلان مؤسسه کارگری اسکی و امکا گرفته است او را از کار برداشته اند و یک آدم عامی را گذاشته اند آنجا اینهاست نتیجه این که سیاست در امور اقتصادی و حمل و نقل مملکت دخالت میکند . راه آهن ایران در تمام دنیا هم اینطور مرسوم است که راه آهن یک وضعیت شبه پلیسی دارد یعنی نه یک اداره سیویلی است و نه یک اداره نظامی است بلکه در حقیقت دیسیپلین مثل یک اداره پلیسی میماند برای آنکه اگر یک روز کارمندان راه آهن خواستند اعتصاب بکنند حمل و نقل مملکت نخواهد یا فرض بفرمایید آذوقه می که باید در تمام مملکت در حمل و نقل باشد متوقف نشود ایجاد قطعی یا نظیر اینها پیش نیاید . پس بنابراین راه آهن در تمام دنیا روی اصول و دیسیپلین خاصی اداره اش میکنند که از سیاست دور باشد ولی ما می بینیم یک مؤسسه بزرگی که امروز در سیاست مملکت بازی میکند همین مؤسسه راه آهن ایران است و اگر جلو گیری نشود بنده باز اعلام خطر میکنم که یک عواقب و آتیه بسیار خطرناکی را برای ما پیش خواهد آورد ما می بینیم که وضع زندگی کارمندان خوب نیست در راه آهن از هر کارمندی که در ماه حقوق میگیرد در موقعی که حسابدار میخواهد پرداخت کند یک مقداری بابت حق کارمندی اسکی دریافت میکند . حالا خواه این کارمند موافق باشد ، خواه نباشد اگر ناراضی باشد که فوری بخدمتش خانه میدهند و اگر هم بخواهد پیشش را نگهدارد مجبور است که صدایش در نیاید ۰۲ ر یا ۰۱ ر میگیرند و بعضی ها هم بیشتر میدهند ۱۵ هزار نفر ۰۲ ر حساب کنیم میشود در ماه ۳۰ هزار تومان و این ۳۰ هزار تومان چطور میشود معلوم است که چطور میشود آنوقت یک بنگاهی هم در محل خود راه آهن هست از بودجه راه آهن یک اطاقی از راه آهن گرفته اند بعنوان اتحادیه کارمندان راه آهن و نه کرایه محل میدهند نه اجاره و پول برقی میدهند ، یک پیشخدمت هم گذاشته اند و ازش استفاده میکنند . در راه آهن یک هیئت بازرسی زمانی که آقای دکتر سجادی وزیر راه بودند مأمور کردند که بروند اتفاقاً آنطوریکه بنده اطلاع دارم افرادش هم بیشتر روزید و مضمون بودند و رفتند در راه آهن و شروع ببازرسی کردند و بنده شنیدم اقلام بزرگ و حیث و میل های زیادی را اینها پیدا کردند گزارش هم بوزارت راه دادند نتیجه این بازرسی ها چه شد ؟ میدانم یکوقت متوجه شدم دیدیم آقای دکتر سجادی از وزارت راه بوزارت دادگستری سنک قلاب شدند . اینست که این بنگاه برای بنده یک قدری وضعش اسرار آمیز و مرموز است که چه قدرتی در این بنگاه هست که با تمام این حیث و میلیاتی که در آنجا میشود و این همه استیضاهی که راجع به راه آهن شد بودجه اش با این

همه نواقصی که هست خود هیئات دولت هم میدانند که بودجه راه آهن اینطور است و بازرسی خود آقای گلشایبان هم که از طرف وزارت دارائی رفته است میدانند که این چه بنگاهی است یکی نرسید آخرش بودجه راه آهن ایران اگر واقعاً و حقاندرست اداره شود نه تنها چهار میلیون تومان کسر ندارد بنده خیال میکنم که شاید سالی بیست میلیون هم بتواند به بودجه مملکتی کمک کند منتوی همین گشاد بازها ، همین خرجها ، همین خریدهاییکه از خارج میکنند برای لکوموتیو و غیره اینها نمیکند که بودجه راه آهن اقلام خرج و دخلش باهم مساوی باشد یا اینکه یک چیزی از بودجه دولت نکیرد و بنده مخصوصاً توجه دولت را باین موضوع پنج میلیون لیره خرید جلب میکنم و با نمونه می که از ۱۰ لکوموتیو کارخانه کروب ارائه کردم برای این ۵ میلیون لیره کیسه ها دوخته اند و اگر دولت نظارت دقیق نکند و از طریق مناقصه و اصول مزایده خرید و فروش نکند این پنج میلیون لوطی خور شده و یک دینار ش ببرد بنگاه راه آهن دولتی ایران نخواهد خورد و چند ماه دیگر این راه آهن از بین خواهد رفت و ۲۰ هزار و کسری کارمند گرسنه اش وبال گردن دولت و ملت ایران خواهد شد این بود قسمتی که راجع براه آهن میخواستم عرض کنم .

البته چون بنده نمیخواهم اسامی اشخاص را ببرم از ذکر خصوصیات و بعضی حیث و میل هائی که اطلاع دارم صرف نظر میکنم ولی لیستش اینجا هست که اگر آقایان خواستند در خارج تقدیمشان خواهم کرد . یک موضوع دیگری که عرض کردم موضوع ۲۰۰ میلیون تومان بودجه بانک صنعتی است در بانک صنعتی سه وزارتخانه صاحب سهم هستند نماینده وزارت دارائی نماینده وزارت اقتصاد ملی و نماینده وزارت کشاورزی در حقیقت کارخانجات وزارت دارائی و کارخانجات وزارت پیشه و هنر و کارخانجات کشاورزی را گرفتند اول باسم بنگاه امور صنعتی خواندند دیدند نشد ، کردندش بانک صنعتی این سه وزارتخانه صاحب سهم شاید در تمام دولت آقای ساعد که ۸۰۷ ماه سر کار است آقایان وزرائی که صاحب سهم هستند بیش از سه چهار مرتبه نتوانسته اند در بانک صنعتی حاضر شوند و از لحاظ نظارت که از طرف دولت دارند و صاحب سهم شناخته میشوند در بودجه بانک صنعتی نظارت کرده باشند ، بانک صنعتی هم بطوری که عرض کردم مثل بنگاه راه آهن یک بنگاهی است آستین سرخود همه جور کاری میکند حالا دیگر حتی کارهای بانک ملی را هم اخیراً شروع کرده است منتوی با یک وضع مقتضی که جریانش را بعرض آقایان خواهم رساند بطور کلی این آقایان وزرائی که صاحب سهم هستند در بانک صنعتی هیچگونه نظارتی در بانک صنعتی ندارند عرض کردم نمیتوانند هم داشته باشند آقای وزیر دارائی با تمام گرفتاری که هر روز با بزرگوار رجوع میکنند که همه روزه صبح و شب برود بانک صنعتی به نشینند بگویند آقای من میخواهم در تمام جزئیات بانک صنعتی نظارت بکنم ماهی یک دفعه میروند آنجا وقتی هم آقایان وزراء دیگر آمدند فوری یک دسته بیرون می آورند جلو آقایان قرار میدهند و شروع میکنند بحرف زدن دو سه ساعت هم آقایان حرف تعویض میکنند بعد هم آقایان خسته میشوند و خمیازه می افند بلند میشوند و میماند برای

جلسه آئینده . جلسه دیگر هم دو سه ماه دیگر اتفاق میافتد اینست که همانطوری که عرض کردم دولت نظارت دقیقی در بودجه بانک صنعتی و هم چنین در قسمت خرید و قسمت فروش بانک صنعتی ندارد بنده خودم عید را در مازندران بودم آقای گلشایبان وزیر دارائی تشریف آوردند بکارخانه شاهمی بنده هم رفتم توی کارخانه برای تماشا ایشان یکی دو تا حوله خریدند حوله های دستی کوچک صورت حساب وقتی آوردند من دیدم که یکی هفت تومان و خورده ای بحساب گذاشته اند البته از خود کارخانه خریدند و البته از قیمتی که بانک تعیین کرده است گرانتر نمی توانند بوزیر دارائی بفروشند یک حوله دستی را بوزیر دارائی هفت تومان فروختند من نخردم اتفاقاً وقتی که آمدم تهران دیدم همان حوله فرنگیش را میدهند چهار تومان و خورده می بانک صنعتی اخیراً دست بیکرشته عملیات صرافی و سفته بازی زده است که برای این سفته بازیها و این حقه بازیهای که اخیراً شده است مدیر کل بانک ملی ایران بکلی جلو اعتبارات بانک صنعتی را گرفته جلو اعتبارات بنگاه راه آهن دولتی را هم گرفته است ۵۰ میلیون تومان بانک صنعتی حق دارد که از اعتبار خودش در بانک ملی استفاده کند یعنی تا ۵۰ میلیون تومان هر وقت چک کشد بانک ملی میپردازد خودش آمده است یک بانک صرافی باز کرده است و نزار گذاشته است که هر کسی سیردهای خواست باین بانک بدهد سدی چهار سیرده بابت نزول میدهم افراد رفته اند آنجا ۵ هزار تومان سیرده ثابت گذاشته اند صدی چهار نزول گرفته اند ولی بلافاصله یک سفته برده اند آنجا ۱۵۰ هزار تومان بیانک مراجعه کرده اند که آقای ایشان حساب دارند بله سیرده ثابت دارند اشکال ندارد ۱۵۰ هزار تومان بایشان بدهید بدون هیچگونه سیرده ثابتی ۱۵۰ هزار تومان داده است و همان پول عیناً آمده است بازار با نرخ ۳۶ ر . معامله شده است در حدود ۸ میلیون تومان بانک صنعتی که بایستی هم خودش را مصروف قوه تولید و کارخانجات و معادن بانک صنعتی بکند ۸ میلیون تومان باشخاص مختلف قرض داده است مثلاً یک میلیون تومان داده است اسمش راهم بنده میدانم خود دولت هم میداند (دکتر عبده - بگویند آقای) بنده نمیگویم چون وارد خصوصیات اشخاص نمیخواهم بشوم آقای نصرتیان نامی رفته است گرفته است دولت هم تکذیب نمیکند هیچکدام تکذیب نمیکند اینها می که بنده عرض میکنم دولت هم میداند یک میلیون تومان ۱۲۲ ر . گرفته است و باصدی ۳۶ بازار داده است بنده هم اشخاص را نمیبرم آقای و بانک ملی میگوید که آقای مگر من دست و پا ب سهم هستند در بانک صنعتی هیچگونه نظارتی در بانک صنعتی ندارند عرض کردم نمیتوانند هم داشته باشند آقای وزیر دارائی با تمام گرفتاری که هر روز با بزرگوار رجوع میکنند که همه روزه صبح و شب برود بانک صنعتی به نشینند بگویند آقای من میخواهم در تمام جزئیات بانک صنعتی نظارت بکنم ماهی یک دفعه میروند آنجا وقتی هم آقایان وزراء دیگر آمدند فوری یک دسته بیرون می آورند جلو آقایان قرار میدهند و شروع میکنند بحرف زدن دو سه ساعت هم آقایان حرف تعویض میکنند بعد هم آقایان خسته میشوند و خمیازه می افند بلند میشوند و میماند برای

باشخاص داده است و یک چند صد هزار تومانی هم البته بکارمندان خود بانک داده است بکارمندان خود بانک دادن البته تاحدی مشروع است خود بانک ملی ایرانهم بکارمندان قرض میدهد ولی یک کارمندی که ۳۰۰ تومان تا ۵۰۰ تومان در ماه حقوق میگیرد یکدفعه رفته است پنجاه هزار تومان گرفته است ممکن است کارمند دزد باشد و یا خواست بانک این را بیرونش کند آخر بانک صنعتی چه وثیقه می در دست دارد که اگر این کارمند تعقیب کیفری شد و محکوم شد این پول دولت و پول ملت ایران از بین نرود (دکتر بقائی - دزدها تعقیب نمیشوند) دولت هم از آن جریان اطلاع دارد آن وقت وقتی که آقای مدیر کل بانک ملی ایران میگویند میگوید خوب جلو اعتباراتش را میگیریم . نتیجه چه میشود ؟ نتیجه این میشود یک مقداری پوله که الان که موقع خرید پوله است بانک صنعتی پول ندارد بخرد از همه شهرستانهای شمالی که تولید پوله میکنند گزارش تلگرافی و رسمی میدهند که اگر این پوله ها خریداری نشود تمام این پوله ها از بین میرود چنانچه الان هم یک نمایندگانی از خارج آمده اند خریدار ابریشم ایران هستند کارخانجات چالوس ما هم چیز است برای ابریشم کشی و تبدیل خام با ابریشم خوب این را من میگویم گذر تاریخ بماند میدانم که آقایان وزراء گوششان بدهکار نیست من میگویم برای تاریخ اقلام ملت بدانند که در بانک صنعتی چه خبر است چقدر کار الان موقعش است که بایستی باو پیش قسط بدهند که برود زمینش را آماده کند و شروع بچقدر کاری بکند که چقدرش را در موقع تحویل بدهد حالا پیش قسط که هیچ نوع بچقدر کار نمیتواند بدهد بکمقداری از پولهای سابقشان را هم طلبکارند آقای برزین الان میگویند که یکی از موکلینشان طلبکار است و نمیدهند خوب یک بانکی که پول چقدر کار را ندارد بدهد و بانکی که مأمور تقویت امور صنعتی این مملکت است میروند صرافی میکنند در صورتیکه تو غلط میکنی همچو کاری را میکنی پول چقدر را بربرده برای سال بعد مساعده بده بچقدر کار اینهاست که این بانک صنعتی خرج و دخل نمیکند و ضرر میکنند ، اگر آقایان توجه داشته باشند در موافقی که دولت ایران تشویق میکرده میزان تولید پنهان ایران در حدود سالی ۴۲ هزار تن رسیده بود الان در پنه کاری ایران بحد محسوسی نکت ایجاد شده است و هیچکس هم نیست که بگوید علت نکت تولید پنهان از کجا است و چکار باید کرد که قوه تولید پنهان را زیاد کرد خرابی وضع پنهان از همینجاست بانک صنعتی رسیدگی نمیکند بانکارها بانک صنعتی مشغول صرافی است و آنهم نمیدانند که سه چهار نفر شاید در این بانک برای رفقایشان دارند استفاده میکنند اسمش هم بانک صنعتی است و صد هزار تومان و چهار صد هزار تومان و یک میلیون تومان از آن میگیرند ولی سصد تومان چقدر کار را نمیدهد و آن پولیکه باید بمصرف پنهان برسد ، پولیکه باید بمصرف خرید کتف برسد باشخاص میدهند الان کتف بقدری در مازندران زیاد است که خریداری ندارد . کارخانه گونی بافی هم ما در آنجا داریم و گونی را میشود صادر کرد و هم در بازار خودمان خریدار دارد و هم میشود با کتف هزار چیز دیگر درست کرد در صورتیکه کتف ما هم بطور مانده

است در دست مردم و در همه جای دنیا هم مرسوم است که از کتف استفاده های دیگر هم میکنند ولی بانک صنعتی این کتف را نمیبرد و کارخانه گونی بافی ما هم همینطور مانده و صرف هم نمیکند برای چه ؟ برای اینکه پول ندارند بولها را گذاشته اند برای صرافی و مرتب هم میگویند که بانک صنعتی کارمند اضافی دارد و هر روز هم با حقوقهای گراف استفاده میکنند و چرا آقایان توجه ندارند که کمسیون بودجه یک تصمیمی گرفته نسبت باتومبیل وزرا و معاونین و مدیر کل و سرورسهاستیکه هست . بعد از تصمیبیکه کمسیون بودجه ابلاغ کرده است بیانک صنعتی پنج اتومبیل بیوک خریدند اند این آقای وزیر دارائی است بازرشان هم گزارش داده است که بعد از تصمیب کمسیون بودجه مجلس پنج اتومبیل خریدند اند آقای وزیر دارائی خلاف عرض میکنم ؟ (وزیر دارائی - صحیح است) فرمودند صحیح است پنج اتومبیل بعد از تصمیب کمسیون بودجه خریدند اند معلوم میشود یا آقایان اعضاء کمسیون بودجه کلاهشان ششم ندارند یا حرفشان قانونی نیست یا تصمیباتشان را در بانک صنعتی نخوانده اند یا تصمیب وزیر دارائی را نمیخوانند نمیدانم چه جور است یا زورشان نمیبرد ، کمسیون بودجه تصمیب گرفته وزراء و معاونین و مدیران کل اتومبیل داشته باشند اینها درست اتومبیلهاشان هم بجای خود ولی حتی اتومبیل تمام رؤسای بیمارستانها را کمسیون بودجه زد ۱۰ تا بیمارستان در تهران است و رئیس دانشکده پزشکی هم که رئیس این بیمارستانهاست و باید بهمه این بیمارستانها رسیدگی کند میگویند اتومبیل نداشته باشید او هم حرفی نمیزند آنوقت بانک صنعتی بعد از تصمیب کمسیون بودجه و بعد از ابلاغ وزیر دارائی میروند علی رقم کمسیون بودجه و علی رقم دستور وزیر دارائی پنج اتومبیل بیوک میخرند صد هزار تومان اول فرودین هم چهار صد هزار تومان اتومبیل خریدند که یکی از همین آقایان پشت این تریبون گفت من نمیدانم که بانک صنعتی مگر کارخانجاتش از اینطرف باید اتومبیل تعویض بگیرند مواز آنطرف تبدیل بیارچه کنند ؟ وانگهی تصمیب کمسیون بودجه را چرا انجام نداده است اگر وزیر دارائی صاحب سهم است و حق نظارت دارد و اگر دولت بایستی برامور این بانک نظارت داشته باشد بانک صنعتی نباید برخلاف مقررات کار بکند این جرم است الان همه میدانند که پارچه امریکائی در بازار ایران متری ۱۰ ریال و نیم خرید میشود و اگر یک کارگر امریکائی در روز ۷ دلار اجرت بگیرد یک کارگر ایرانی همان کار را میکند و یک دلار اجرت میگیرد پس اجرت در امریکا ۷ برابر اجرتی است که در ایران است پارچه امریکائی بیه دارد شما که میخواهید کمانند بدهید بایستی اول بیه اش را بدهید بعد اعتبار باز کنید بعد کمانند بدهید خرج حمل از بندر یعنی از کارخانه تا تهران را دارد صدی شصت حق گمرک هم دارد . تمام اینها را خوب است آقایان توجه بکنند عوارض راه دارد صدی شصت گمرک خرج راه ، خرج بیه و تفاوت هفت برابر دستمزد کارگر امریکائی یک برابر مزد کارگر ایرانی آنوقت قیمت کارخانجات بانک صنعتی ما متری ۱۷ قران ضرر میکند و پارچه ای را که متری ۱۰/۵ ریال از امریکا میآورند اینجا منفعت میکند و آن وقت

هی داد میزنند میگویند آقای صکار خانجات صرف نمیکند آقای باید جلو واردات خارجی را گرفت تا سرمایه داران داخلی مردم را غارت بکنند ، تا مردم را بسخ بکشند کباب بکنند چرا ؟ برای اینکه کارگر بیکار است فلان است آقای وقتی که یک دستکاهی از اول عید تا حالا پانصد هزار تومان اتومبیل میخرند خوب جهنم بگذارد خراب بشود یک دفعه تا بلکه تکلیفش معلوم شود اینکه بنگاه نیست آقای کارخانجات بانک صنعتی یک کارخانجاتی است که بعضی از آنها واقعاً مثل اینست که سبل طلا از زیرش خارج میشود ولی صاحب ندارد یک کارخانه کتسرو سازی بندر عباس داریم . بنده تمام اینها را که عرض میکنم حساب دقیقی رویش شده آقای وزیر دارائی هم هستند بنده اینها را که عرض میکنم شفرهایش را دارم و با شفر عرض میکنم ، طبق حساب دقیق منحصص عالی مقام دانمارکی قبیل از شهریور ، انعام ماهیاتی که دردنیای پیدا میشود در خلیج فارس موجود است بخصوص ساردین که در تمام دنیا مشتری و بازار دارد . منحصص با حساب دقیق ثابت کرده است که در سال میتوان صد و پنجاه الی دویست هزار تن از خلیج فارس صید ماهی کرد بدون اینکه بمقدار ماهی خلیج فارس صدهای بخورد هر گاه از هر تن دست کم ده لیره عاید کشور شود اولاً یک میلیون و پانصد هزار لیره بعایدات صادراتی کشور اضافه خواهد شد در صورتیکه بانک صنعتی نتواند اقدامی نمیکند که بازار صادراتی پیدا کنیم بلکه کارخانه کتسرو را برای مصرف داخلیمان هم خوابانیده اند و این یکی از شاهکارهای بانک صنعتی است عرض کردم که ما میتوانیم سالی یک میلیون و پانصد هزار لیره از این راه ارز صادراتی بدست بیآوریم علاوه بر مصرف داخلیمان از ماهی ساردین و غیره آنوقت در جنوب ، در بندر جنوب آقای صفوی یا آقای مصباحزاده یاسایر و کلاهی جنوب میگویند که مردم علف هم گیرشان نمیآید و با ماهی مرده ارتزاق میکنند ستر عورت هم ندارند خود این آقای صفوی هم هزار مرتبه پشت این تریبون گفته است که آقای موضع جنوب ایران رسیدگی بکنند خوب این مردم که چیزی ندارند دولت هم که توجه نمیکند ستر عورت هم که ندارند اینست که مردم هجرت میکنند ، هجرت میکنند میروند بکریک ، به دومی ، اینطرف و آنطرف ، آخر مردمی در این مملکت که نه ستر عورت دارند و نه غذای خوراکی دارند و نه دولت بفکرشان است و نه میتوانند گرسنگی بخورند البته هجرت میکنند چون وطن یکجائی است که آدم بتواند در آنجا زندگی بکند آنوقت وضعیت رقت بار مردم جنوب باینجا رسیده است کدر بوشهر که پنجاه هزار نفر جمعیت داشته است شش هفت هزار نفر باقی مانده و اگر اینها را هم حفظشان نکنند ، فرار میکنند میروند بندر عباس یا سایر نقاط همینطور است . این وظیفه آقای صفوی یا آقای دکتر مصباحزاده یاسایر آقایان نیست که برای بندر جنوب کار بکنند این وظیفه همه است آقای (صحیح است) و قتیکه می بینیم بندر عباس باین وضع فلاکت بار افتاده بندر جنوب دارد تخلیه میشود مردم ستر عورت ندارند و اغلب بیرون آنوقت ما نمیتوانیم بشنیم که بانک صنعتی هشت میلیون تومان صرافی بکند و آنوقت یک کارخانه کتسرو سازی را راه نیندازد که برای مردم بندر کار ایجاد کند (منصف چکارکنند؟) من

خیال میکنم که مجلس شورایی ایران قدرتش مافوق قدرتها بود و میتوانست از این قدرت استفاده بکند و امروز هم اگر آقایان همکاران محترم بنده بخواهند میتوانند کار بکنند برای مردم میشود کار کرد بنده میدانم که میشود همه آقایان اطلاع دارند که در قسمت اعظم آسیا و در قسمت اعظم اروپا معادن نمک نیست و نمک را باید از سایر نقاط حمل بکنند و قسمت اعظم ناحیه بنادر ایران نمک معدنی است و بسیار نمک خوبی است و مقدار زیادی هم هست. در هندوستان در حدود هفت هزار تن در سال فقط واردات نمک دارند و با حساب دقیقی که توسط متخصصین بعمل آمده میتواند با صدور نمک اقل از تنی ۱۵ تومان استفاده کند و سالی یانصد هزار تن میتوان صادر نمود که علاوه بر بکارگذاشتن بیکاران بنادر جنوب قسمت عده آنها بسواحل جنوبی خلیج فارس مهاجرت کرده یا مشغول مهاجرت هستند کم کم بزرگی صادرات کشور میکند و در حدود بیست و پنج میلیون تومان عایدی خالصی که متجاوز از یک میلیون و نیم لیره ارز برای کشور تهیه میکند. قبل از شهریور ۲۰ هم زاینده مقداری صادر میکردند در صورتیکه اگر با وسائل جدید استخراج شود چون کشتیها از سواحل جنوب خالی بر میگرددند ممکن است که با قیمت ارزاتری حمل نمود و هم عایدی بزرگی از این راه برای کشور تهیه گردد هم کار خیلی عاجل و فوری برای بیکاران جنوب کرد حالا آقای منصف فرمودند ما چکار بکنیم نمک آنجا ریخته نمک هم سطح اراضی است و میشود استخراج کرد متأسفانه آنکسانی که عرض کردم باید بدر مردم برسند، نمیرسند خاک سرخ؛ اینها تمام چیزهایی است که بانک صنعتی باید اداره کند، در موضوع خاک سرخ جزیره هرمز و سایر نقاط جنوب نیز دولت نه تنها اقدام نمیکند بلکه مردم هم اجازه نمیدهند که خودشان بروند این خاک را جمع آوری بکنند یا بایک کمیتهای خارجی قرارداد ببندند و خاک سرخ ایران را صادر بکنند تا از این راه یک ارزی عاید مملکت بشود یکی از کارهایی که بانک صنعتی دارد میکند آقایان هم ملاحظه فرمودند که نماینده پاکستان آمده بود میخواست زغال سنگ از ایران ببرد به پاکستان طبق جدیدترین اطلاعاتی که بدست آمده در کرمان که مردم بیچاره شان علف میخورند و همه آقایان چندین مرتبه علفخوارگی این ملت بیچاره را پشت این تریبون گفته اند و اگر جناب آقای صفوی بازم اصرا داشته باشند من سند امروز برای علفخوار گیشان آورده ام که نشان بدهم (صفوی) بنده هم تأیید کردم (جنوب ایران مردم علف میخورند جدیدترین اطلاعاتی که بدست آمده است در اطراف کرمان معادن زغال پر تروت و باجنس بسیار اعلائی موجود است که مقدار آن از بیست میلیون تن تجاوز میکند یعنی مقدار سطح الارضی آن از ۵ میلیون تن تجاوز میکند که استخراج آن خرجش بسیار ناچیز است. دولت پاکستان برای خرید زغال سنگ حاضر بود و اخیراً هم مهندس برای اینکار ایران اعزام داشت که اسمش هم آقای مهندس محمد طیب بود مهندس نامبرده پیشنهاد کردند که زغال را از معادن گلندرد در شمال کجور با کامیون به ۱۷ کیلومتری باس علمه حمل بکنند از اینجا بالنگرهای ترکمنی به بندر شاه ببردند و از آنجا به بندر خرمشهر روسیس با کشتی پاکستان

ببرند، این حکایت مسخره شبیه بهمان ضرب المثلی است که عوام میزدند و میگفتند خر ۳۰ شاهی یالان دو هزار زغال سنگ را از گنبد رود بیاورند حمل بکنند بندر شاه و از بندر شاه بنده بخرمشهر یا به بندر شاهپور و از آنجا ببرند پاکستان در صورتیکه در کرمان بمقدار زیاد سطح الارضی زغال سنگ خیلی خوب هست و ژئولوگ ها گفته اند که این به نوع زغال سنگی است که در ایران دیده شده، از آنجا حمل نمیکند که مردم گرسنه و بدبخت کرمان که بجایشان را مثل بوقلمون روزها میبرند بجای عایدی برای مردم بنیوی سایر نقاط دور از مرکز باز شده باشد. کارخانجات بانک صنعتی باستی اقلاربع بودجه کشور را تأمین کنند، حالا اگر ربع را بنده مبالغه گفته باشم شاید حداقل یکدم بودجه کشور را میتوان تأمین کرد و اگر دست آن مدیران کارخانه با اصطلاح اصفهانی باشد و آنطوریکه کارخانجات اصفهان را اداره کردند من خیال میکنم که همه بودجه مملکت را میدادند برای اینکه مردم راسخ میکشیدند و کباب میکردند و از حقوقهای زیادی هم میزدند بجز حقوق هیئت های مدیره خودشان که ۱۰ هزار تومان یا پنج هزار تومان برای فرار از مالیات میگرفتند ممکن بود قسمت اعظم بودجه مملکت را تأمین کنند ولی اگر واقعاً افراد دلسوزی در آنجا باشند یک عشر بودجه مملکت را میشود از این بانک صنعتی تأمین کرد و پارچه را میشود رقابت داد با کارخانجاتی که عرض کردم چون هم مزد بر مراتب کمتر است و هم صدی شصت کم کرد زیرا بهترین کارخانجات در بانک صنعتی است که در حقیقت از زیر چرخهای آن طلا خارج میشود ولی اینها بر روز سیاهی افتاده است بطوریکه بهترین کارخانجات مثل کارخانه سیمان که امروز از خارج صرف میکند سیمان امروز باتنی ۸۵ تومان ۹۰ تومان کمتر از خارج وارد میشود و صرف میکند ما سیمانمان باین نزدیکی کوهان باین نزدیکی ذغالمان باین نزدیکی باز هم برایش بازار سیاه درست کرده اند تا از این راه هم یکدسته ای جیبهایشان را پر کنند و اگر شما واقعاً علاقه مند با اصلاحات مملکت باشید آقای مدیر کل بانک صنعتی عوض این قرضی که میدی با صدی دوازده بچهار تا سفته باز توی بازار میخواستی دوتا کارخانه سیمان وارد کنی، سیمان طبیعی در ایران هست در نزدیکی دامغان یا جاهای دیگر که برای قسمتهای مرطوب دوامش دو برابر سیمانهای مصنوعی است و فقط یک آسیا میخواست که این سنگ را خرد بکنند و با چیزهای دیگر مخلوط بکنند آنوقت میآید هشت میلیون تومان در بازار سفته بازها قرض میدهند ولی یک آسیا نمی آورند که این سنگ را خرد بکنند در دسترس مردم بگذارد تا بازار سیاه از بین برود یک همچو فکری اصلاً در بانک صنعتی پیدا نمیشود و اگر پیدا شود فوری بیرونش میکنند میگویند این میخواست جلو بازار سیاه را بگیرد پس میشود اینکه کارخانه بخریسی شاهی، بافتگی بهش، گونی باقی شاهی، کسرو سازی بندر عباس و غیره همه شان ضرر میکنند واقعاً یک مسخره بازی عجیبی است، کارخانه ریستندگی کاشان سهم یانصد تومانیش در چندی قبل معامله شده ۲۵۰۰۰ تومان و امروز که

توزل کرده پانزده شانزده هزار تومان است. یک سهم یانصد تومانی یک کارخانه به ۲۵۰۰۰ تومان معامله میشود (اخوان) اینطور نیست خلاف عرض شده) بلی آنکسی که معامله کرده است بمن گفت ولی حالاً راجع بمالیات و اینها بنده نمیتوانم عرضی نمیکند سهم یانصد تومانیش با رسال به ۲۵۰۰۰ تومان رسیده بود و امروز که توزل کرده پانزده شانزده هزار تومان است و شاید هم بیست هزار تومان باشد حالا آقای اخوان ممکن است بگویند چقدر کمتر است ولی مسلماً یانصد تومانش را دوازده هزار بنده سهم ندارم (دهقان) شما کمی گویند بنده پول ندارم (بین الاقنین صحبت نکنید آقایان) بفرمائید آقای مکی. مکی - آن کسی که ده هزار تومان بخرد باید هفتاد هزار تومان بفروشد علاوه بالاتر از اینها است و هر سهم یانصد تومانی شاید تا حالا ۲۵ هزار تومان منافع داده باشد البته این کارخانجات اینطور اداره میشود عرض میکنم کارخانجات ملی یک رئیس هیئت مدیره دارد، ده هزار تومان حقوق میگردد بر سر عمویش را میآورد بنام منشی هیئت مدیره پنج هزار تومان بهش حقوق میدهد و یکی دیگر را میآورد مثلاً سه هزار تومان حقوق میدهد و خلاصه صاحبان سهام هر کدام بعنوانوی خصوصاً آتھائی که سهام عده دارند حقوق گزافی میگیرند و وقتی که بیلان میدهند بدینوسله مالیات زیادی بآنها تعلق نمیکند آن وقت آقایان میگویند که چکار میشود کرد که مملکت اداره شود آقایان تا وقتی که سرمایه دازها در این مملکت متفقد هستند و میتوانند کرسیهای پارلمان مملکت را بخرند مجال و متمتع است که بشود از مالیات طبقه سوم کاست و بر طبقه اول این مملکت طبقه اول این مملکت وضع مالیات کرد این مجال است اینرا بدانید که روز بروز مردم و ملت ایران بدبخت تر و فلک زده تر میشوند و این چهار نفر موکل آقایان صفوی و دکتر مصباح زاده هم میروند و آن سرزمین را خالی میکنند، آن وقت بانک صنعتی ما با اینکه کارخانجاتش بر مراتب مدرن تر مهمتر از کارخانجات ملی است آنها ضرر میکنند بنده چندی قبل عرض کنم در حدود چهار هزار نفر اهالی کاشان جمع شدند که یک کارخانه ریستندگی دایر کنند و اینها میخواستند پانزده تا چاه عمیق بزنند و اول بنه کاری کاشان را تأمین بکنند یعنی بنه ایکه پنجاه هزار دوک لازم داشت تأمین بکنند، چهار هزار نفر و پنج هزار نفر اشخاص در کدام صد تومان و دو صد تومان از بیرون کاشی گرفته تا تاجر کاشی رو بهم گذاشته بودند که میخواستند اینکار را بکنند ۳۶ میلیون تومان میخواستند خرج اینکار بکنند بقدری دولت مشکلات ایجاد کرد در کاشان برای ارز آنها که چه عرض کنم هر کدام از آنها یانصد تومان، هشتاد هزار تومان سهم داده بودند و ضمناً باید عرض کنم که بنده آنجا سهمی ندارم و هر کسی هم بخواهد باو واگذار میکنم یک دقمه هم آقای آشتیانی زاده بن اناک کردند که شما از سرمایه داران کاشان دفاع میکنید بنده از هر سرمایه داری که بخواهد بنبغ مملکت قدم بردارد هر چه باشد قدم او اگر مفید باشد خواه مسلمان

باشد خواه یهودی باشد، خواه مذهبی داشته باشد باشد بنده از او دفاع میکنم و تقویتش میکنم چرا؟ برای اینکه عمل او بنبغ این مملکت است این عملی که کاشیا کرده اند یک عده زیادی را بکار میخواستند پنجاه هزار دوک ریستندگی درست میکردند پانزده حلقه چاه در کاشان میزدند آب تحت الارضی را بیرون میآوردند و بنه کاری را براه میآوردند و زیاد میکردند جلوی یک مقدار زیادی گرسنگی و بدبختی را میگرفتند درست است که یک عده سرمایه داری هم مثل آقای حاج علیقتی پیدا شده اند ولی حاج علیقتی را من پرسیدم گفتند آن کسی که در کاشان نشسته و میروند یانصد تومان میدهد او میگوید حاج علیقتی هست و مورد اعتماد من است آن وقت پول میدهد، بهر حال چهار هزار نفر رفته اند با اعتماد یک هیئت مدیره ای در آنجا پول داده اند که کارخانه وارد شود البته من راجع بطرز مالیات و طرز فروش کارخانه حاج علیقتی و آن پرونده ای هم که در سمنان پیدا کرده بود اعتراض دارم که ماست مالی کردند ولی این عده ایکه همت کرده بودند و چهار هزار نفر جمع شده بودند دولت میبایست باین چهار هزار نفر کمک بکند تا اینکه این عده بکار گماشته بشوند و دولت میبایست وسایلی که اینها برای حفر چاه میخواستند کمک هائی که برای کماند و سفارش است دولت باید برای آنها بکند تا این شرکت چهار، پنج هزار نفری از بین نرود مثلاً اگر ریسمان زیاد بشود بآن کارخانه اصفهانی رقابت خواهد کرد و هر قدر قوه تولید داخلی زیاد بشود رقابت زیاد میشود و جلوی غارتگری کارخانجات گرفته میشود عرض کردم همان دستهایی که با تمام اینها دسته بندی دارد و یک سهمی میدهد و یک سهمی میگیرد و یک اشکالاتی در کار فراهم میکند بالنتیجه، چهار، پنج هزار نفر مرد وزن و با بضاعت و بی بضاعت کاشی پس از پنجاه شش ماه سرگردانی بالاخره میروند پولشان را میگیرند دولت بایستی کاری بکند که اینها کارخانه را وارد بکنند، یک کارخانه سیمان میخواستند برای شیراز وارد بکنند من شنیدم دولت اشکال میکرد، اگر دولت سیمان دارد بدهد و اگر ندارد چرا نمیکند یک سرمایه ای بکار بیفتد و سیمان را از این وضع فلاکت باز نجات بدهد دولت دلال دوست دوم و سوم و هر گونه فعل و انفعالاتی که میشود و مضرتی تولیدی مملکت است جلو گیری بکنند (صحیح است) عرض کنم آقا فعل و انفعالاتی میشود که آن فعل و انفعالات مانع ایجاد قوه تولیدی است در مملکت (صحیح است) که نمیخواهند از آن سوء استفاده اش صرف نظر بکنند و یکی از بدبختیهای همین بنگاههای نظیر راه آهن و بانک صنعتی یا شرکت فرش یا شرکت بیمه همین اعمال نفوذی است که طبقه سرمایه دار حاکمه در این بنگاهها کرده اند و این کار را با بصورت در آورده اند بنده شنیده ام مثلاً بیه بهر کسی که میخواهد برود آنجا معامله ای بکنند بیش از پانزده هزار تومان وام نمیدهند ولی البته استثناً و کلامیروند و سی هزار تومان، شصت هزار تومان، هشتاد هزار تومان میگیرند (یک نفر از نمایندگان - کی گرفته؟) (دهقان) - آقای مکی مگر میشود) خواهش میکنم از من نرسید بروید از شرکت بیمه بپرسید اگر مقرراتی هست که بایستی مقرراتش را انجام بدهد و آن پانزده هزار تومان را

نگیرد و الا باید برود از بانک رهنی بگیرد (اسلامی) بانک رهنی هم ده هزار تومان بیشتر نمیدهد) این بانکه آقا برای اشخاص ضعیف است و الا آن کسی که میخواهد دو میلیون بگیرد و خانه بسازد چرا از بانک میگیرد و چرا خانه میسازد برای اینکه بعداً ثروت پیدا بکنند این بانک باید ده هزار تومان بدهد و پانزده هزار تومان باشخاص طبقه سوم قرض بدهد تا آنها از این وسوسات استفاده بکنند بزرگترین منشأ فساد این دستگاه اقتصادی تمرکز کارها است در مرکز، اگر در مرکز تمرکز کار نباشد این بدبختی در شهرستانها ایجاد نمیشود ما هر روز می بینیم که مردم دسته دسته گروه گروه هجوم میآورند بر مرکز خوب آقایان اگر در شهرستانها کار پیدا بشود و اگر اهالی شهرستانها رفاه داشته باشند اگر عدالت اجتماعی داشته باشند و اگر امنیت قضائی باشد چرا مردم از شهرستانها هجوم میآورند بر مرکز (صحیح است) اولاً مردم میبینند بواسطه عدم امنیت قضائی در شهرستانها اگر سرمایه دارند فلان رئیس اداره ممکن است برای آنها پرونده ای درست بکند و یا فلان رئیس اداره نظامی یا ژاندارمری ممکن است بیک وسائلی اسباب زحمتشان بشود باین ترتیب فرار میکند و میآید بتهران وقتی که آمد بتهران مثلاً این شخص که تهران میآید اگر در شهرستان باشد چند نفر کلفت دارد نوکر دارد و چند نفر از قبل او نان میخورند ولی وقتی که آمد بتهران همه آن بدبخت ها فقیر میشوند بیچاره میشوند این است که مملکت یک وقتی بیک راهی میافتد که هر چه آقایان بخواهند جلوی این لکوموتیوی که از ایستگاه در سرازیری بیرون رفته است و فرار کرده است بگیرند دیگر نمیشود آن را برگرداند (صحیح است) و مصادراً مور قادر بجلو گیری و ترمز این لکوموتیو نیستند تا وقتی که قادر هستند باید ترمز کنند و الا خطرناکترین اتفاقی که همه آقایان از آن نگران هستند اتفاق خواهد افتاد این یک قسمت هائی بود که بنده راجع بدو مؤسسه بانک صنعتی و راه آهن عرض کردم حالا میرسیم در خود اقتصادیات یکی از بزرگترین مشکلات این مملکت مسئله اقتصادیات ما است که اصلاً اقتصادیات دولت و ملت (در اینموقع یکساعت و ربع بظهر آقای رئیس از جلسه خارج شدند آقای گنجینه ایب رئیس بجای ایشان فرار گرفتند)

همه روزه صادر کنندگان را بهعناکه میکشند آنها را ازیت میکشند از زندگی دلسردشان میکنند اصل از بین رفتن صادرات همین است که نه تنها از صادر کنندگان تشویق نمیکند بلکه انواع و اقسام سختی برای او ایجاد میکنند و یکی هم تمرکز دادن تمام کارهای اقتصادی در مرکز است که تمام معاملات خارجی باید در مرکز باشد و این هم مونی بل یک عده ای شده است که روزه گرفته وضع اقتصادی مملکت را باین روز کشانده است یعنی ده میلیون یونو صادرات و ده میلیون یونو واردات شده است و بقول معروف بر آن مملکت زار باید گریست - کدخداش بود نوزده خرج بیست، البته این بیت را برای کدخدا گفته اند ولی بنده برای مملکت گفتم که صادراتش ده میلیون یونو است و واردات آن ده میلیون یونو میباشد و یکی دیگر از بزرگترین مشکلات و بدبختی های ما در امور اقتصادی این است که دولت با اینکه بتجربه ثابت شده است که تاجر خوبی نیست با همه اینها در تمام امور اقتصادی دارد دخالت میکند و این وضع قند و شکر بهترین نمونه است بنده راجع بجیف و میل هائی که در این چند روزه شده است در قسمت قند و شکر اطلاعاتی دارم هم را عرض میکنم وضع نظارت دولت با عمل کرد دولت در امر قند و شکر خوب نیست عرض کردم که دولت هیچوقت تاجر خوبی نبوده نمیتواند برای این مملکت تاجر خوبی بشود همه آقایان اینجا داد میزنند که کار مردم را باید بدست مردم انجام داد اگر حکومت دمکراسی باشد باید مردم دخالت بکنند شهردار را در شهرداری باید مردم انتخاب کنند وزیر راهم باید و کلا انتخاب کنند و کلا را هم باید مردم انتخاب کنند پس کار درست مردم انجام خواهد شد ولی این در امور دمکراسی ما اینطور نیست دولت هم نشان داده است که دولت هست حالا دولت خرجش با ملت جد است این باندها و کلا خرجمان با ملت جد است اینهم بانده یک نکته دیگر هست و آن این است که دولت باندها این سوابق تاجر خوبی نیست قند و شکر را آقایان میدانند که تا قبل از شهریور دولت یک حق انحصاری میگرفت و در خارج هم خریداری میشد یعنی ایکس و ایگرک هر کسی میخواست وارد میکرد الان قند و شکر تنی سی الی ۳۱ لیره (وزیر دارائی - ۳۴ لیره) بسیار خوب ۳۴ لیره کیلویی سه هزار ده شاهی یا چهار ریال بیشتر وارد نمیشود، گفته شد یک تومان هم حق استفاده بازار گانی و گمرک این میشود کیلویی ۱۴ ریال بنده همه را دست بالا عرض کردم دولت در موقع کمباندنداده است که یک مقداری قند و شکر وارد شود و یکمقداری هم البته در بنادر جنوب هست که اگر بخواهند متعذر بشوند باینکه چون بندر شاهپور بندر نظامی بوده است ما نتوانستیم تخلیه بکنیم این صحیح نیست برای اینکه در مورد گندم بوزارت جنگ نوشته شد که آقا گندم برای مصرف داخلی این مملکت است و اجازه ندهید که گندم تخلیه بشود وزارت جنگ هم موافقت کرد پس بنده اینکه چون بندر شاهپور بندر نظامی است نمیتوانسته تخلیه بکنند این صحیح نیست حالا هم مثل اینکه معمولات تمام نشده و هیچ معظوری در کار نیست، (نورالدین امامی - آقای مکی بس است) من دو جلسه صحبت خواهم کرد تمام شاهها هم از بدبختی های مردم اطلاع

دارید بگذارید حرفهایی را که بعضی نیزند من اینجا بگویم، که چرا قند و شکر باین روز میبافتند و چرا این مردم روزگازشان اینطور است شما وضع آذربایجانان مگر خوب شده است من میخواهم بگویم که چرا وضع آذربایجان اینطور است؟ دولت چرا اقدامی نمیکند؟ در کابینه آقای حکیمی جیره بندی الفاشد گمان میکنم شکر به کیلومی ۱۹ ریال یا کمتر رسیده و همینطور قیمت آن میآید باینطوریکه بالاخره کیلومی ۱۷ ریال رسیده و بنده چون نرخ دولتی را میدانم فرارشد شکر را با نرخ دولتی آن بفروشدند و دیروز بنده در یک شرکتی بودم یک صاحبصنعتی وارد شد بنده نمیشناختمش، یک سرهنکی بود شنیدم معاون فرمانداری نظامی تهران است یک پیشخدمت را خواست که بیاید یک کیلو قند و یک کیلو شکر برای او بخرد چون میگفت من گریه نموده ام از شمران آمده ام اینجا بنده استرآن سمع میکردم چون یک کاری داشتم رفته بودم در یک سرهنک یک کسیرا صدا کرده یک کیلو قند خریده سه تومان و دو هزار و یک کیلو شکر خریده است سه تومان یعنی این هفتد قران را خریده است سه تومان، آن روزی که آقای نجم الملک جیره بندی را الفاشد کرد شکر بکشور عراق صرف میکرد امروز دیگر قند و شکر بکشور عراق صرف نمیکند ولی دیگر بازار جیره بندی در دنیا ازین رفته است این کارخانجات شکر سازی همه کشورهای که تولید کننده شکر هستند حاضرند بهر مقدار کامیاب میخواهم بخرمشهر بیا بفرشند ما تا قبل از شهریور ۲۰ از صد و چهل هزار تن مصرف داخلی کمتر بود در خلال جنگ هم کم بود ولی بعد از خاتمه جنگ پس از الفاشد جیره بندی مصرف ما ۱۵۵ هزار تن تجاوز کرده است وقوه تولید کارخانجات داخلی سال خوش پنجاه هزار تن است و سال بدش ۳۵ هزار تن است و اگر باین ترتیبی که بانک صنعتی امسال گرفته عمل بشود سال دیگر بضر خواهد رسید برای اینکه چقدری نیست پس در حال حاضر سالی ۱۱۰ هزار تن یا ۱۲۰ هزار تن از خارج باستی وارد میکنیم در امر قماش هم که دولت دخالت کرده ملاحظه فرمودید که چیت را تاجار آوردند و ما هم اینجا برایشان قانون گذرانیدیم که اگر از صدی یا نوزده بیشتر بفروشد مجازات بشوند و خودشان الان حاضرند میگویند که ما حاضریم بصدی پنج منفعت بفروشم این بواسطه چه بوده؟ برای این است که رقابت هست و دولت در امر پارچه دخالت نکرده ولی در امر قند و شکر دخالت کرده بعقیده بنده علت خرابی و گرانی قند و شکر و ایجاد بازار سیاه، بدی توزیع و سوء استفاده هائی است که از این راه شده و میشود دیگر مسامحه دولت در امر خرید است، الان بنده طبق اطلاعی که دارم تصور میکنم بیش از چهل هزار تن در بین راه و در بندر و در تهران موجودی ندارد، شما اگر قند و شکر را آزاد کرده بودید مثل پارچه که الان برای مصرف چهار سال پنج سال این مملکت در تهران موجود است تاجار خودشان وارد میکردند شما که نمیتوانید توزیع بکنید شما که نمیتوانید پیش بینی بکنید که چقدر باید در سال وارد کرد این را آزاد کنید حق انحصار خودتان را بگیرد سود ویژه تان را بگیرد، اینهم مثل سایر کالاها، کس بهر اندازه که بخواهد وارد این مملکت بکند شما چه میدانید که فردا دنیا چه وضعی پیدا

میکند اگر شب خوابیدید صبح که بلند شدید ببینید جنگ شده است قند و شکر دو ماه ایران را ندارد ولی اگر خدای نکرده یک همچو اتفاقی افتاد افلا پارچه ۴ سال این مملکت را دارید اینهاست دخالت های بییه ورد دولت در امور بازار گانسی و اقتصادی کشور... حالا بنده شنیده ام که در اداره قند و شکر سوء استفاده هائی شده است و در یک دو روزنامه هم خواندم، یکی از آنها باصراحت نوشته است یک میلیون تومان پول داده اند که این بازار سیاه را ایجاد کنند راجع بقند و شکر یک مقاله همین روزنامه ستاره چند روز پیش نوشته است که مردم را چهل جا میچاپند و همبقتدر که جماعتی باتومبیل و پارک و عمارت بهتر و نقدینه سنگین تر احتیاج پیدا کردند اینطور بحر آنها پیش میآید و پس از یکی دو ماه که میلیونها از این راه تحصیل شد و گند و رسوائی کار آنها بالا گرفت سرخ راشل میدهند، ما در مملکت خودمان از زمامدارانی که باصلاح از میان خودمان انتخاب شده اند این توقع نداریم که ما هم با هموطنان خویش همانطور رفتار کنند که یک ارتش فاتح با یک کشور مغلوب عمل میکند میگویند یک میلیون پول برای ایجاد این وحشت ساختگی خرج شده است خواهید پرسید کی داده است و کی گرفته است اینطور نیست، پس شما خیال بکنید لایحه ننگین مطبوعات را با آن حرارت و شدت برای ضبط در تاریخ گذرانیدند و خواستند در صف اعمال یک عده ای روی سنک قیرشان یادداشت کنند این قانون را برای همین گذرانندند که من نتوانم بگویم چه اشخاصی این وجوه را در درون جیب خود پنهان ساخته اند...

این روزنامه میگوید اگر این قانون مطبوعات نبود من میگفتم یک میلیون تومان را کی گرفته اند قند و شکر ولی اصلا منطقی نیست دولت الان ماهی دو هزار ۳ هزار تن ۰۰۰ چون الان ۳ هزار و پانصد تن مصرف تهران است دولت دارد این مقدار را میدهد ولی قند و شکر هم گیر کسی نمیتواند پس این بازار سیاه را چرا بوجود آورده اند این بازار سیاه را همان کسانی درست کرده اند که این یک میلیون تومان را گرفته اند و جلو توزیع قند و شکر را میگیرند و چهار نفر محترک هم میرسد و میگویند اگر چنین و چنان نمیکردید اینطور نمیشد و بالاخره قند کیلومی ۱۷ ریال میرسد به ۳۳ قران - نه وزارت دارائی قادر باصلاحات است و نه این دستگاه اقتصادی اینها اصلا گوششان باین حرفها بدهکار نیست بنده تعجب میکنم چندین مرتبه در مجلس این سؤال شده دیشب هم در روزنامه اطلاعات یک چیزی نوشته بودند یک وحشتی برای مردم ایجاد کرده انموالاد دولت میگوید که قند و شکر کی باید توزیع شود توزیع میشود پس کجا میروند بازرسی مخفی در خانه من بگذارند که بمنزل من کی میآید و کی میروند یا در خانه آقای حائری زاده چه کسی میآید و چه کسی میروند این نمیتواند بفهمد که ماهی دو هزار تن قند و شکر بکجا میروند؟ بخدا میتواند میدانم ولی میخواهد بازار سیاهی باشد، نمیخواهد رسیدگی کند البته دزد بازار آشفته میخواهد میخواهد بازار سیاهی باشد تا آنها جیب خودشان را پر کنند یک شرکتی سابقاً بوده و بنده یک انتقادی از آن دارم آن شرکت البته یک اجاعافاتی میکرد

مثلا شنیدم که تنی چهار تومان حاضر بودند قند را از انبار وزارت دارائی بگیرند و در دکان عطارد و سقط فروش توزیع کنند و اشخاصی هم حاضر بودند که این حمل و نقل را بطور مناصه بر دارند خودشان آمده بودند یک شرکتی درست کرده بودند و تنی ۹ تومان میدادند و سر صاحبان سهام خودشان یک کلاهی میگذاشتند یا فرض بفرمایند آنها هم یکمقداری از شرکت خودشان را هر قدر که پیششان میرفت میدادند دیگران بنده شنیدم یک کمی اتفاقاً کخیلی هم وجهه ملی داشته سابق بر این توی این مملکت بعقیده من و حالا پیش بنده و آقای دکتر بقائی وجهه ندارد کم کرده اند و رفقای یک شرکت جدیدی درست کرده اند (سفوی - کی هستند) خواهش میکنم اسمشان را نرسید (دهقان - این شایعات هم زیاد است) (دکتر بقائی - شما اگر نمیدانید چرا اعتراض میکنید؟) حالا قسم این عده را باور کنیم یا دم خروس را؟ هر چه اصلا سر خروس پیداست و از آنهم گذشته خود خروس هم پیدا است قسم هم میخورند ماهی سه هزار تن دارند شکر میگیرند، حالا دارند میگیرند، این شکر را کی میگیرند؟ آن یکگفتری از نمایندگان مجلس که یک کیلو شکر باین قیمت خریده بگویند من تصدیق میکنم که همه ملت ایران باین قیمت خریده اند بنده عرض کردم یک افسری، یک سرهنکی معاون فرمانداری نظامی است گفتم که معاون فرمانداری نظامی تهران از شیران آمده بود تهران و بالاخره قند و شکر بقیمت بازار سیاه خرید این خود خروس است این مسلماً دزدی شده است و اگر دزدی نشده است دولت همبقتدر که نظارت دارد چه کسانی بن مراجع میکنند باینکه من تقاضاهای مراجع کنند گان کسی توصیه نکرده و نه نمیکنم دولت چطور نمیداند که ماهی ۳ و ۲ هزار تن قند و شکر کجا میروند؟ مسلماً میدانم ولی خود دستگاه اقتصادی جلونمیگیرد بالعکس شرکت جدیدی که تأسیس شده رفته چند هزار تن گرفته است یکدسته ای استفاده میکنند همین شرکت جدید تأسیس شده بعضی اینک آمده روی کار یکی ده تومان رفته گرفته بعنوان اینکه ما اتحادیه فروشندگان قند و شکر توابع تهران هستیم هزار و پانصد ششصد نفر هستند و اگر ندهند بآنها قند و شکر نمیدهند یکی ده تومان گرفته اند فقط قند و شکر را بیات عامله داده اند و بقیه نداده اند این یک قسم، بعداً هم ۲۰۰ تن شکر داده اند که بقند تبدیل کند، در صورتیکه کارخانه که هرگز یک در روزنامه خواندم بر اثر عدم مراقبت دولت میروند هیوسولفید بشکر میزنند که خود آزمایشگاههای کارخانجات دولتی تصدیق کرده اند که این قند مسموم است در کرمانشاه این قند معمول است در اثر خوردن این قند شهری باصطلاح کلوخه یکی دوتا سگته کرده اند که اطباء تشخیص داده اند که مسموم شده اند، شما شکر دارید کارخانجاتان هم بیکار است مزد هم میدهند ولی آنوقت باید اجازه بدهید شکر را اینطور بکنند و مردم را هم مسموم بکنند اینها عدم مراقبت دولت است دولت اگر دلش بچال مردم میسوخت اولین گزارشی که باو میرسد در کرمانشاه یک نفر رامسموم کرده است فوراً جلو گیری میکرد البته در کارخانجات ما هم هیوسولفید میزنند ولی چون آنجا دستگاههای تصفیه هست از مسمومیت

جلو گیری میکنند ولی آنها این دستگاه تصفیه را ندارند همینطور که عرض کردم با تجربه ثابت کرد که دولت تاجر خوبی نیست بنابر این دیگر غیر از سود بازرگانی و گمرک و قسمتی که تحویل کارخانه میگیرند چیز دیگری که نمیخواهند این را آزاد بگذارند هر کس بهر مقداری که بخواهد وارد کند تاخدای نکرده اگر روزی اتفاقی رخ داد و جنگی روی داد بواسطه کاندما بکمقدار معتناهی قند و شکر در این مملکت وجود داشته باشد که دوسه سال ملت ایران تنها بمب و گلوله نخورد قند و شکر هم داشته باشد که بخورد باین بودجه موضوع دیگری که هست و ثابت میکند که دولت تاجر خوبی در امور اقتصادی نیست موضوع اداره غله و نان است همه ما میدانیم که در امر غله و نان دولت سالی ۳۰ میلیون تومان خسارت اینکار را میدهد - ۳۰ میلیون تومان پول کمی نیست، اگر دولت اعلام کند که من بیای سیلو هر تنی صد تومان علاوه بر قیمتی که دولت معین کرده است میدهم، صد تومان علاوه میدهم بشرط اینکه مازاد را در سیلو بدهند - اگر صدو پنجاه هزار تن ما احتیاج داشته باشیم - میشود ۱۰ میلیون تومان صد تومان که اضافه کنیم میشود ۱۵ میلیون تومان تمام مردم با رضا و رغبت گندم خودشان را میآورند و برای اینچور چیزهای جزئی نایبم قانون بگذاریم که فلان فلاح از یک تن معاف باشد کار غله را با تاجرانسانیم که من در روزنامه خواندم وضع غله آذربایجان خوب نیست آذربایجان همیشه غله ایران کم میکند است قبل از شهریور و اوضاع اخیر همیشه خوبات آذربایجان غله آذربایجان روغن آذربایجان و سایر چیزها بهتران صرف میکرد و بمقدار زیادی هم تهران میرسد الان من شنیده ام وضع غله آذربایجان خوب نیست اسال با اینکه غله نداشته پنجهزار تن تهران حمل شده است آذربایجانی که یک حادثی را دیده اینرا باید بکطوری واقفاً از آن دلجوئی کرد بنده پرریوز در روزنامه ای دیدم که دو نفر از قحطی و گرسنگی، دو نفر از این ملت نجیب، این اولاد سیروس در مراغه از گرسنگی مرده اند، این واقفاً روزنامه هائی که هستند مغبرین خارجی که در این مملکت هستند این قبیل چیزها را در روزنامهها منتشر میکنند و این در خارج از کشور جز اسباب افتضاح و سرشکستگی برای ما چیزی نیست من که متأسفانه جزو هیئت حاکمه هستم عرض میکنم که در دنیا نگویند که در آذربایجان بکوردی که کار کردند یک مردمی که قانع هستند بگردمی که ساعی هستند دو نفر از گرسنگی میمیرند بعد هم قیام کردند نمیدانم چکار کردند در مرند هم، (امامی خوشی - بیکاری زیاد است) این بیکاری آذربایجان را یک کاری برایش بکنید موقمی که این خط راه آهن سر تاسری ساخته میشد قسمت اعظم راه آهن را این عملیات آذربایجانی ساختند اینها میآمدند کار میکردند پول پیدا میکردند میبردند، کار در مملکت نیست در تبریز شنیده ام که ۲۵ هزار نفر بیکار هست این یک انبار باروتی است ۲۵۰۰۰ نفر بیکار چرا یک فکری نمیکند؟ کارخانجات آنجا هم البته مثل سایر نقاط مثل کرمان اصفهان مثل کاشان نتوانستند استفاده هائی کنند در زمان جنگ - زیرا آنجا یک چیز هائی بود که نمیتوانستند آن غارتگرهائی که دیگران کردند بکنند البته این کارخانجات وضعیتشان خوب نیست، آذربایجانی صدایش در نیاید ولی

کارخانه چهای اصفهان ۵۰۰ نفر کارگر را روانه میکنند، من خیال میکنم خود دولت هم میدانم و تکذیب نمیکند خود کارخانه دارها آنها را بعنوان اینکه کارخانه صرف نمیکند و مزد کارگر ندارد بیاده روانه شان میکنند تهران بعدم ۱۰ تا انویوس معین میآید اینها را از وسط راه بر میدارد میآورد اسکی، حقش را قبلا گرفته و هر چه هم اینجا بماند بعد که برگردد حقوقش را بگیرد منظور از این کار چیست؟ منظور اینست که از دولتی بگیرند بنام تعمیر و ورود اسبابهای یدکی - یکمقداری اسباب یدکی میآورند یکمقداری ارز آنرا هم در بازار بفروشند و یکمقدار ش راهم بشم مریوس بیاورند، بعد بدولت فشار میآورند که آقا ما اعتبار نداریم یکمقداری هم اعتبار بانکی میگیرند یکمقداری هم آفاجلو این سیل واردات خارجی را بگیرد که ما را بیای کرده و ما را بیچاره کرده اند و اینها را روانه تهران کرده اند ولی آذربایجانی بیچاره که اینکار را نکرده که ارز دولتی بگیرد، دوست سید نفر را نفر ستاده وارد تهران کند و بگوید آقا آنجا داد بزن تا من بتوانم ارزش را بگیرم و یکمقدار آنرا در بازار بفروشم نماینده گان آذربایجان چند دفعه گفته اند اغنام و احشامشان از بین رفته است زراعتشان از بین رفته است وضع آذربایجان خوب نیست دولت چه اقدامی کرده است بنده خیال میکنم که هیچ اقدامی ناحالا نکرده یک تولیدی از یاد کاری در آذربایجان نکرده - خوب آقا شما که حالا دارید آسفات میکند پول هم دارید میدهند اول راه را در آذربایجان شروع کنید شما که کارخانه قند دارید میآورید برای نقاط دیگر بکش را بگذارید در رضاییه در اطراف مهاباد که استعداد کارخانه دارد - دو تا کارخانه سیمان وارد کنید، آذربایجان ۳ میلیون جمعیت دارد آنجا را نباید باین حال فلاکت و بدبختی گذاشت (صحیح است) بعدم وقتی که یک مصائبی برایش پیش میآید همگی اینجا اظهار تأسف میکنند آقا قبل از اظهار تأسف فکرهاش باشد آذربایجان یک جای حساسی است باید با آنجا کمک کرد برای راهش باید کمک کرد برای بهداشتش باید کمک کرد برای لوله کشی باید کمک کرد یک چند تا کارخانه برای آذربایجان باید گذاشت مردم را بیکار گذاشت یک مقدار تراکتور باید وارد کشور شود این وزارت کشاورزی با این بودجه عریض و طولیش که اگر درس را هم بیندند سرسوزنی در وضع مملکت تأثیر نخواهد کرد یکمشت مهندس بفرستد بآذربایجان تراکتور بفرستد بآذربایجان یک شرکتهای تعاونی در آنجا درست کنند یک شرکتهای کشاورزی درست کنند خدامیدانند اینکه آقای تقی زاده گفتند خلاف نگفتند من خودم دیدم آدم بگاو آهن بسته بودند اگر در این قرن بیستم که عصر اتم است یک خارجی آنجا این را ببیند در آذربایجان این تنک است یا بفرماید آقای تقی زاده زن آبتسن را بگاو آهن بسته بودند این تنک آور است این برای ما بد است (صحیح است) جناب آقای تقی زاده فرمودند بهر حال از مطلب دور افتادم موضوع غله بود عرض میکردم اگر تنی ۱۰۰ تومان دولت زیادتر بپرد هر کسی باطیب خاطر حاضر است غله اش را بیاورد بفروشد ۱۵ میلیون از این راه صرفه جوئی میشود یعنی ضرر غله از سی میلیون به ۱۵ میلیون میرسد و ضمناً تماس مأمورین دولت هم با مردم کم میشود چند روز پیش

یک تلگرافی به بنده رسید که در اراک دو نفر را گرفته اند حبس کرده اند بعنوان اینکه مازاد نداده است ماهه جور وسایل باید بکار ببریم تا، توابع مازاد جمع کنیم بعد هم ۳۰ میلیون تومان تازم خسارت داده شود ولی با این طریق ۱۵ میلیون صرفه میشود از دست آزاد بخزنند و بنام ما هم همان نرخی که برای دولت تمام میشود بفروشدند و اینکه آذربایجانی از گرسنگی ببرد از آقایان خواهش کرده اند از آقای رئیس که بنده صحبت را نیمه کاره بگذارم و یک دوازدهم بودجه مطرح بشود بنده هنوز تمام نشده است چون بنده بدون اینکه حمله ای بکسی بکنم وبدون اینکه وارد خصوصیات شخصی کسی بشوم خواستم یک مطالب خیلی اساسی را باطلاع دولت و هم بسم آقایان نمایندگان محترم برسانم تا اگر واقفاً عرایض بنده را وارد دانستند یک تصمیم عاجل وفوری برای رفع این بدبختی اتخاذ فرمایند و بنده با اجازه آقایان پس از یک دوازدهم باز مزاحم خواهم شد.

۴- تصویب یک دوازدهم
نایب رئیس - آقای وزیر دارائی بفرماید.
وزیر دارائی - خیلی خوشوقت که آقایان توجه فرمودند که لایحه بودجه مملکتی مطرح بشود البته گفتنی ها زیاد است و گفته خواهد شد و دولت هم مطالبی دارد که خواهد گفت و جواب هم داده خواهد شد اظهاراتی هم که آقای مکی کردند البته باستی توجه بشود و بنده خودم از اشخاصی هستم که اگر دیدم یک معایبی در کار هست و تذکری که داده میشود اگر آن تذکر بجا باشد اقدام کنم و رفع کنم و نتیجه آنهم باطلاع آقایان خواهد رسید چون آقایان میدانند بودجه مطرح شده است و در حقیقت بصورت یک دوازدهم و یادو دوازدهم نمیخواهم مطرح کنیم و آقایان مسبوق هستند که امروز پنجم برج است اجازه بفرماید که لایحه یک دوازدهم برای خرداد ماه بتصویب برسد (یک نفر از نمایندگان - ماه رمضان هم در پیش است) (صحیح است) و زودتر کارمندان حقوق خرداد ماه را بگیرند و مجدداً بودجه کل کشور مطرح گردد البته مطالبی را که آقای مکی فرمودند جواب یک قسمت آنرا عرض میکنم و بقیه را بگذارم در موقع خودش و همانطور که آقای مکی گفتند راجع بوضع قند و شکر مقدمه خودمان چند روز پیش یک تحقیقاتی کردیم معلوم شد یک دستهایی در جریان بوده است باین مناسبت تمام آن دستگاهی که ارتباط با آن کار داشته اند از کار برکنار شده اند و با تأکید که اعلیحضرت همایونی راجع باین قسمت بفرمایند شدیداً تعقیب خواهند شد و البته تمام آنها مجازات خواهند شد و بعد هم برای استحضار آقایان عرض میکنم که صد هزار تن معامله قطعی قند و شکر شده است و میرسد و جای هیچ نگرانی نیست (نورالدین امامی - راجع با آقایان شرکت عطارد هم یک توضیحی بفرماید) بنابر این لایحه یک دوازدهم مربوط بخرداد ماه را باقی یک فوریت تقدیم میکنم که تصویب شود.

نایب رئیس - قرائت میشود.
(شرح زیر قرائت شد)
مجلس شورایی ۰ چون خرداد ماه جاری پایان رسیده و بایستی حقوق کارمندان و خدمتگذاران و مخارج وزارتخانه ها و ادارات و سایر مصارف کشور پرداخت گردد، علیهذا ماده واحده ذیل باقی یک فوریت تقدیم و تصویب آنرا استدعا میشود.

ماده واحده - بوزارت دارائی اجازه داده میشود حقوق و هزینه های مستمر و غیر مستمر وزارتخانهها و ادارات و دستگاههای دولتی و سایر هزینه های کشور را اعم از مصارف عمومی و عمرانی در خردادماه سال ۱۳۲۸ در حدود یک دوازدهم اعتبارات سال ۱۳۲۷ و اضافه اعتباراتی که در سال ۱۳۲۸ بتصویب رسیده با رعایت تبصره يك ماده واحده قانون مصوب دوم آبانماه ۱۳۲۴ و سایر قوانین و مقررات مالی و کمک هزینه کارمندان و خدمتگزاران کشوری و لشکری را مطابق قوانین و آئین نامه های مربوطه از درآمد عمومی سال جاری پرداخت نماید.

تبصره - مدت دو ماه مقرر در تبصره ۹ ماده واحده اجازه پرداخت دو دوازدهم حقوق فروردین و اردی بهشت ماه ۱۳۲۸ تا آخر تیر ماه ۱۳۲۸ تعدید میشود.

نخست وزیر محمد ساعد - وزیر دارائی گلشایبان .

نایب رئیس - مطابق ماده ۱۳۸ آئین نامه تبصره ها قابل طرح نیست بنا بر این راجع بماده واحده صحبت خواهیم کرد اول فوریتش مطرح است مخالفی نیست ؟ (گفته شد - خیر) رأی میگیریم بفوریت لایحه آقایانی که موافقت فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد .

یمن اسفندیاری - طبع و توزیع لازم ندارد .

نایب رئیس - راجع بطبع يك دوازدهم این جا يك صحبتی شد هیئت رئیسه عقیده دارد چون این موضوع تابع آن تشریفات معمولی نیست بنا بر این در همین جلسه مطرح میشود (صحیح است) مخالفی نیست ؟ آقای ملک مدنی فرماید . بنا بر این ماده واحده مطرح است چون آقای وزیر دارائی توضیحاتی دادند باید مخالف صحبت کند شماراجع باصل ماده مخالفت دارید آقای ملک مدنی ؟

ملک مدنی - بلی .

نایب رئیس - فرماید .

ملک مدنی - بنده خواستم تذکر بدهم بجناب آقای وزیر دارائی که این تبصره چون مخالف آئین نامه است نمیتوانیم در اصل ماده واحده بگذاریم ولی چون ممکن است در مسائلی که دولت در نظر میگیرد مورد احتیاج باشد فرض فرمایند بموجب ساختمان و یا مسائل دیگری باشد که ضرورت دارد خواستم عرض کنم که راه قانونی دارد شما میتوانی بجای تبصره بعنوان ضمیمه ماده واحده ذکر کنید و تقاضا کنید مقام ریاست هم قبول میکنند هیچ اشکالی ندارد زیرا بنده فکر میکنم که این ماده واحده و تبصره اش هر دو ضرورت دارد خود آقایان وارد هستند چون اشکال نظامنامه ای دارد باید این اشکال را رفع کرد در اینصورت بنده خواستم تذکر بدهم آقای مخبر کمیسیون هم خیال میکنم توجه داشته باشند نیک کارهای مفیدی که دولت مورد نظر دارد تکلیفش معلوم باشد و بتواند کار کند .

نایب رئیس - آقای مخبر .

مخبر - همانطور که در ماده ملاحظه فرموده اید چیز اضافی ندارد و فقط يك اضافه اعتبار سال ۲۸ است و این هم يك قسمتی است که مجلس رأی داده است و تصویب شده است .

بنا بر این اضافه نخواهد بود فقط حقوق ماه گذشته پرداخت میشود این مطلب که آقای ملک مدنی فرمودند کاملا صحیح است ولی فقط از لحاظ اینکه ما برترسیم در آیه برای يك دوازدهم ها سابقه شود که بعضی مطالب را اضافه کنند میخواستم از جنابعالی تقاضا کنم که این قسمت را پیشنهاد نفرمایند در خود بودجه بنده قبول میکنم برای اینکه سابقه نشود.

نایب رئیس - آقای نبوی .

نبوی - عرض بنده راجع به همان توضیحی بود که جناب آقای دکتر معظمی فرمودند خواستم عرض کنم که باضافات ۲۸ تصویب شده است اینجا تردید نیست که باضافات ۲۸ با توضیحی که فرمودند آنچه تصویب شده است پرداخت شود بنده عرضی ندارم .

نایب رئیس - رأی میگیریم بماده واحده با ورقه آقایانی که موافقت دارند ورقه سفید میدهند عده ۷۴ نفر است .

دکتر متین دفتری - بکندمه بخوانید .

بهادری - آقای رئیس نظام نامه رعایت نمیشود آقای یمن در ردیف جلو نشستند .

یمن - حالا که مطلبی مورد مذاکره نیست .

دکتر بقائی - آقای رئیس پس ماده ۲۰۷ مالیده ؟

نایب رئیس - لایحه تقدیمی دولت ماده واحده بدون تبصره با توافق آراء با ۸۶ رأی تصویب شد .

اسامی موافقین - آقایان : هتوق . غضنفری . دهقان . شریعت زاده . ظفری . گرگانی . سلطان العلماء . نبوی . محمد علی مسعودی . مکرّم . فرامرزی . دکتر مجتهدی . ارباب گویو . ملک پور . ایلخان . کههد . دکتر متین دفتری . کتابادی . لیقوانی . نیک بی . رضوی . محمود محمود . کامل ما کوئی . صاحب دویانی . صفوی . و کیلی . آصف . دکتر اعتبار . فولادوند . تولیت . اخوان . آزاد . تابتی . دکتر معظمی . افشار . نراقی . نواب . صفا امامی . دادور . مشایخی . برزین . دکتر عبده . امین . کفائی . آشتیانی زاده . قوامی . ملک مدنی . بیات . دولت شاهی . صاحب جمع . شهاب خسروانی . ابوالقاسم بهیانی . حسن اکبر . بالیزی . عرب شیبانی . ابوالفتح قهرمان . دکتر فلسفی . شریف زاده . بودافیان . عباسی . مامقانی . بهادری . نورالدین امامی . اسدی . صادقی . اسکندری . هاشم وکیل . کشاورز صدر . گنجی ثی . سالار بهزادی . سلطانی . ضیاء ابراهیمی . سزاوار . اردلان . یمن اسفندیاری . هراتی .

نایب رئیس - طبق تقاضای آقایان يك ربع ساعت تنفس داده میشود .

(بیست دقیقه بعد از ظهر مجلس بعنوان تنفس تعطیل شد یک ربع بعد جلسه مجدداً بر ریاست آقای گنجی نایب رئیس تشکیل گردید)

۵ - ادامه مذاکرات در کلیات بودجه

نایب رئیس - آقای مکی فرماید .

مکی - بنده شنیدم که راجع بقندوشکر با توضیحاتی که جناب آقای گلشایبان وزیر دارائی دادند اقدامات سریعی برای بازرسی و رسیدگی تخلفاتی که شده است از طرف دولت شده است بطور کلی خود هیئت محترم دولت هم اطلاع دارند تعقیب آفتابه دزد ها کار خوبی نیست باید جلودزد های بزرگتر و غارتگران عمده را گرفت شما همانطور که عرض کردم آقایان

آزراه اطلاع دارید در موضوع قند و شکر يك دستهای خیلی قوی در کار هست با آن قدرتی که آنها دارند بنده از قدرتی که دولت بتواند جلو اینکار را بگیرد خیلی مأیوس هستم زیرا شنیده ام مؤثر ترین و متنفذترین افراد چه از داخل مجلس و چه از خارج مجلس این بازار سیاه را بوجود آورده اند و میخواهند استفاده کنند چون وارد شخصیات نمیشوم و از همه همکاران محترم استعفا میکنم استرحام میکنم که در مطالبی که عرض میکنم از بنده نام اشخاص را نبرسند برای اینکه بنده از دو ماه مرخصم صرف نظر کرده ام از آئینده ام و از سماعت آیه ام صرف نظر کرده ام کدر راه سعادت مردم و ملت ایران حرف بزنم و قلم بردارم اینست که وارد شخصیات شدن تصور میشود که بنده بایک عده دشمنی خاصی دارم یا بایک نفر دوستی خاصی دارم بنبغ یکی یا بضرر یکی میخواهم مطالب را اینجا بمرض همکاران محترم یا باستحضار دولت یا باستحضار ملت ایران برسانم .

البته اینطور نیست بنده از همکاران محترم استعفا دارم که از بنده اسامی را نبرسند (اردلان - ولی آقا از داخل مجلس را فرماید آقا کام ما تلخ شد عوض اینکه شیرین بشود) آقایان وزراء همه را می شناسند بپرسید بگویند آقای اردلان ملت ایران و ما نمایندگان در ظرف این دوساله این يك محک عجیبی بوده هر کس خودش را نشان داده خوب بنده مکشوف است آنرا که عیان است چه حاجت به بیان است . بنده چکار دارم اسم ببرم کسی را که دار نمیزند و بی جهت اشخاص را باخودم دشمن کنم (دکتر بقائی بداند که چکاره است و بپرند سراغ او بنده همچو کاری نمیکم ولی از توجهی که دولت باین موضوع کرده و از توجهی که جناب آقای وزیر دارائی کرده اند پس از آنکه قند و شکر فراوان شد تشکر میکنم یعنی همان فراوانش تشکر ملت ایران است و لازم نیست که بنده تشکر کنم و وقتی فراوان شد ملت ایران يك قدر شناسی است قدر شناسی میکند از خدمتگزاران خودش هر کسی باشد خواه دوست بنده باشد و خواه دشمن بنده باشد و آقای وزیر دارائی هم شنیده ام که اقدام کرده اند و امیدوارم که بتوانند جلوی این غارتگری سرسام آور را بگیرند و یکی دیگر بنده اصلاح بیانم را میکنم بنده عرض کردم که ماهی دوهزار تن بعضی از همکاران تصور کردند که بنده گفتم روزی دو هزار تن مصرف تهران است خیر ماهی دوهزار تن تا چهار هزار تن مصرف تهران است نهایت اینست که اگر سوء تفاهمی هم در عرایض قبلی بنده بوده بدین وسیله رفع سوء تفاهم را میکنم . بودجه دولت هم بودجه خیلی مهمی است از نظر نمایندگان و از نظر نمایندگان مجلس که باید قلم بقلم باین بودجه رسیدگی کنند و در نظارت دخل و خرج بودجه دولت باید کاملاً ناظر باشد و از نزدیک نظارت کند که این بودجه که گرفته میشود چگونه مصرف میشود و در وقتیکه وارد در ریز بودجه می شود بنده راجع بجزه بودجه و وضع موادش مطالبی عرض خواهم کرد ولی چیزی که میتوانم از پشت این تریبون عرض کنم اگر هیأت حاکمه ما که از مجلس و دولت تشکیل میشود و بنده هم متأسفانه یا خوشبختانه جزو این هیأت هستم

و هر گاهی که میشود بگردن ما نمایندگان مجلس است و بگردن وزرای ماست همه مان با هم دیگر شریکیم در این اهمالی که میشود (صحیح است) اعم از دولت و مجلس و بنده اگر شانه خالی بکنم و بگویم در فلان اداره سوء استفاده شده است بمن چه مربوط است ؟ این در حکومت مشروطه بمن چه ؟ یعنی ندارد و بایستی نماینده ای که خودش عضو هیأت حاکمه است در تمام این جنایات و فجایع اگر شریک هم نباشد و یا مخالف هم باشد شریک خواهد بود معنأ . زیرا يك نماینده عضو هیأت حاکمه است و با عملیاتیکه هیأت حاکمه میکند شریک است . بودجه را اگر از حیف و میلش جلوگیری بکنید خیال میکنم بتوان دخل و خرج بودجه را با هم دیگر تطبیق کرد و ما میتوانیم که این ۳۳۳ میلیون تومانی را که الان کسر داریم این را از حیف و میلها بکاهیم و جلوگیری بکنیم تا بودجه تعادل بکند مثلاً در سال ۱۳۲۶ يك تصویبنامه بی از هیأت دولت میگردد که ساختنهای دانشگاه تهران بدون مناقصه شروع بعمل کنند و همینطور هم عمل کردند تا حدودی که بنده اطلاع دارم شاید آقای گلشایبان وزیر دارائی بتوانند با شیفر وعده فرمایند که در حدود چند میلیون تومان این ساختمانها هست .

وزیر دارائی - بیست میلیون تومان .

مکی - در حدود بیست میلیون تومان را تصویبنامه ای صادر میکنند که بدون مناقصه بخر کسی که دلشان میخواهد واگذار کنند ، البته اشخاصی که گوشه و کنار هستند و در پی يك چنین موقعیتی بقول بنده و بقول خودشان يك او کاز بونی میکنند اینجا يك او کاز بونی پیدا میکنند و شروع میکنند بدخال کردن در امر این ساختمانها ، البته آن موقع دوره فترت بوده مجلس نبوده و کیلی هم نبوده که بگوید آقا ۲۰ میلیون تومان يك چیزی نیست که تصویبنامه صادر شود و بگویند که این ۲۰ میلیون تومان را بآترك مناقصه عمل بکنید ولی بعد آنکه دولتها آمدند در توی مجلس سؤالاتی هم پس از آنکه در همین زمینه و در همین مجلس شد که بچه مناسبت در دانشگاه فرهنگ همچو کاری شده است و بنده شنیدم که آقای وزیر دارائی توجهی برای اینکار معطوف کردند و گفتند تا کتون هر چه با ترك مناقصه انجام گرفته است از این تاریخ ببعد کارها بایستی با اصول مناقصه صورت بگیرد و وقتیکه يك چنین ایراد و اعتراض از طرف آقای وزیر دارائی شده است حالا رفته اند يك افراد خارجی را پیدا کرده اند و میخواهند اینکار را هم مونویل خودشان بکنند صورت ظاهرش اینست که شرکتهای خارجی دخالت میکنند ولی حقیقتش اینست که همین سرمایه دارانی که باعث ترك مناقصه شده اند میخواهند این را درست خودشان بگیرند و اقامت اگر همچو چیزی هست بچه مناسبت اینهمه شرکتهای ایرانی که هست اینرا ب همان شرکتهای ایرانی واگذار نکنید اگر هم استفاده وسودی ببرند شرکتهای

بیکانه نبرند و شرکتهای داخلی ما ببرند بنده از این توجهی که ایشان کردند خواستم تشکر بکنم و هر قدر ایشان بتوانند جلو اینگونه بیرویه گیریها را بگیرند و کارها با اصول مناقصه و مزایده انجام بگیرد مسلماً از قیمت بدون مناقصه و روی تصویبنامه خرجش کمتر خواهد بود منتھی مقدارش را بایستی خود آقای وزیر دارائی فرمایند که چقدر کمتر شده این کاری که کرده اند و مسالما هم اینکار کمتر شده است . بحث مادر امور اقتصادی بود که دولت تاجر خوبی نیست هر کاری را که در امور اقتصادی کرده هم دچار بازار سیاه شده است ، هم زمینه کالا در ایران کم شده وهم اینکه یکدستهای شروع بفارتگری کرده اند و جبب ملت و مردم را از این راه خالی میکنند و این نکته را هم میخواهم عرض کنم که گرسنگی و فقر و فاقه تا يك حدودی قابل تحمل است ، تمام بزرگان ما این نصیحت را کرده اند حافظ میگوید :

ساقی بجام عدل بنده باده تا کدا
غیرت نیارود که جهان یر بلا کند
و یاسعدی میگوید :

توانگران که بجنب سرای درویشند
ضرورتست که از حال وی بیندیشند

البته سرمایه را ممکن است بهر عنوانی از راه مشروع یا غیر مشروع بدست آورد ولی من نمیدانم اگر يك سرمایه دار همسایه اش گرسنه بخوابد و احوط راضی دارد که همسایه او گرسنه خوابیده و او در قصر چند طبقه اش نشسته است و از هستی آن گرسنگان ارتزاق میکند اولاً يك ناراحتی وجدانی باید برای خودش احساس بکند ثانیاً يك ناراحتی اجتماعی که بالاتر از آنست باز احساس بکند برای جامعه زیر اوقتی تعداد گرسنگان و فقر را زیاد شد این يك دشمنی و کینه ای ایجاد میکند و بین طبقات ملت فاصله ای ایجاد میکند و این فاصله اش بالنتیجه منتهی میشود بيك انقلاب یا يك تفرق شدیدی که با انقلاب منتهی خواهد شد و همانطوریکه در سایر نقاط دنیا هم دیدیم دولت ها و هیئت حاکمه ها همیشه در صدد این هستند که آسایش طبقه سوم را در نظر بگیرند و برای آنها يك حد اقل زندگی و حداقل معیشتی فراهم کنند . متأسفانه نه طبقه سوم ملت ما امروز نه از حداقل زندگی و نه حداقل معیشت و نه از حد اقل فرهنگ و نه از حد اقل بهداشت میتواند استفاده کند . یکی دیگر از مواردی که دولت میبایستی توجه بکند موضوع سهمیه و ارداتی است همانطوریکه سابقاً عرض کردم چند دستگاه در امور اقتصادی مملکت دارد دخالت میکنند ولی يك مسائل پیش یا افتاده را این دستگاهها هیچگونه توجهی ندارند ، از جمله سهمیه و ارداتی است در سایر کشورها سهمیه و ارداتیشان را سه ماه سه ماه تعیین میکنند و يك دستگاههای دقیقی هم برای نظارت واردات و صادرات مملکت دارند که هر آن شما بآن دستگاه اقتصادی

مراجعه کنید میگوید که اینقدر از فلان جنس از فلان شهر یا از فلان بندر بمقتصد ایران حمل شده است و الان موجودی در بندر اینقدر است اینقدر هم کممانه داریم اینقدر هم در پایتخت است يك چنین دستگاہی در مملکت ما نیست .

جمعی از نمایندگان - اکثریت نیست .

نایب رئیس - تأمل فرماید (اکثریت حاصل شد)

آقای مکی : فرماید .

مکی - ... و این نبودن یکدستگاه منظم اقتصادی کار صحیحی نیست ، اگر یکدستگاه اقتصادی صحیحی بود اجازه نمیداد که اینقدر مسواک یا شانه یا هر نوع کالای غیر ضروری دیگر مکرر وارد شود الان برای چند سال ما مسواک داریم و این را کراراً خود آقایان متذکر شدند که این کارخانه سفارش دهنده گفته بود که مگر ایران چقدر جمعیت دارد که اینقدر مسواک میخواهد الان چند میلیون مسواک بایران وارد شده است و اینقدر کممانه داده اند مگر مردم چند میلیون شانه مردانه و زنانه احتیاج دارند برای چند سال این مملکت شانه و مسواک و کالاهای غیر ضروری دیگر وارد شده که ما اصولاً باین ها احتیاج نداریم و بعضی کالا های ضروری در عوض ناباب شده و اسباب زحمت مردم شده است الان برای ده سال ایران لوازم برق سفارش شده و آمده وهمه اش هم موجود است از چک اسلواکی از جاهای دیگر و همه هم موجود است و ضرر هم دارد اگر یکدستگاه اقتصادی دقیقی داشتیم تهیه لوازم برقی را تا يك حدودی تعیین میکردند و با اشخاص مختلف هم میدادند که رقابت ایجاد کند و بمقدار زیاد هم وارد ایران نشود تا طلای ایران با این لوازم برق از بین برود و باعث ورشکست اقتصادی بشود اگر دولت یکدستگاههای اقتصادی نداشته باشد و بوضع اقتصادی امروز ایران توجهی نکند تا سه ماه دیگر یکعه زبادی از تاجار ورشکست خواهند شد بنده چند روز پیش ...

جمعی از نمایندگان - عده کافی نیست

نایب رئیس - تأمل فرماید (پس از چند لحظه عده کافی شد) فرماید .

مکی - ... یکی از آقایان یادداشتی مرقو فرموده اند که ابریشم مصنوعی بقدر احتیاجات سه سال در مملکت هست و باز هم اجازه داده اند ، ابریشم مصنوعی وارد کنند ، خوب اینها میسراند که ما يك دستگاه منظم اقتصادی نداریم که بتواند میزان واردات و صادرات مملکت را حساب داشته باشد و این بیچارگی و فقری و پریشانی که در این مملکت پیدا شده است از بین برود و اگر يك کشوری وضع اقتصادش درست نباشد بیچ چیز ندارد اول بایستی توجه کرد که وضع اقتصادی درست بشود یکی دیگر از مواردی که بنده اعتراض داشتم و اول مجلس هم بعضی از آقایان بر له آن و بعضی از آقایان بر علیه صحبت میکردند موضوع تریاک است سابق بر این که تریاک از طرف دولت باندرل میشد در حدود سالی ده میلیون عایدات باندرل تریاک بی بودجه کل مملکتی کمک میکرد همه

ما خوب میدانیم که تریاک کشها که تریاکشان را ترک نکرده‌اند و جلوگیری از کشت تریاک هم که نشده و این ده میلیون تومان بودجه مملکت زیان وارد شده و تریاک‌ها هم تریاکشان را میکشند و جلو کشت تریاک هم گرفته شده راجع بوضع کشت تریاک یا عدم کشت تریاک بایستی واقعا مجلس و دولت يك تصمیمی اتخاذ بکنند اولاً همه روزه شما ملاحظه میفرمائید که يك قتل‌های درخارج از تهران میشود که فلان آدم يك چارک ، ده سیر تریاک قاچاق داشته زاندام تعقیب کرده‌است و او نایستاده زود خورد شده شلیک شد جان ندفندر درمخاطره افتاده با از بین رفته اند اگر تریاک قاچاق را نباید کسی داشته باشد بایستی کسی بکشد باید جلوگیری از کشتش کرد، جلوگیری از کشتش کرد ، اول جلوی کشت و کشتن را گرفت و بعد آنوقت بفکر قاچاقش افتاد بالاخره تریاکي بهر عنوانی باشد تریاک را بدست می آورد فقط از این راه ده میلیون تومان بودجه دولت لطمه وارد شده است این ده میلیون تومان يك رقم کوچکی نیست حالا که مجلس شورایی ملی حاضر است که این ده میلیون را از جای دیگر تأمین کند اقلا جلو کشت تریاک را بگیرد یا دومتبه همان اصول باندل را برقرار بکنند که این ده میلیون تومان بودجه دولت زیان وارد نشود زیرا تریاکي الان تریاک را گراتر از آن باندل میگرد زیرا قیمت باندل را که دولت سابقا داشته و میگرفته بواسطه هائیکه تریاک را از این شهر بآن شهر انتقال میدهند با ترس و لرز و با کشتن چند نفر یا باید جلو کشت تریاک را گرفت و با اینکه اگر واقعا نتوانند جلوی او را بگیرند دو مرتبه همان باندلش را برقرار بکنند که هم مردم کمتر کشته بشوند و هم بدولت ضرر وارد نشود ، یکی دیگر هم موضوع صدور تریاک از ایران است که بنده شنیدم در حدود هشت هزار صندوق تریاک پارسال و امسال موجود است و بعضی از شرکتهای خارجی آمده اند میخواهند این هشت هزار صندوق را بخرند برای تهیه مرفین و سایر موادیکه از تریاک تهیه میشود و پیشنهادی هم بدولت داده شده است منتهی بازم در اینجا بعضی اشخاص اهل نفوذ کرده اند و يك یهودی خارجی با پنج لیره کمتر از آن شرکت آمریکائی میخواهد خریداری کند و از قراریکه شنیده ام تریاک را میخواهند بآن یهودی بدهند و بآن شرکتی که پنج لیره زیادت میبرد نهند و تفاوت این معامله چهل هزار لیره میشود در این قسمت توجه آقای وزیر دارائی را جلب میکنم که اگر يك چنین فعل و انفعالاتی دارد صورت میگيرد ایشان چون جلوگیری دارند میکنند جلوگیری فرمائید شاید هم دروغ باشد بهرحال يك طوری این را در ایران و در خارج بفروشند که این قلم صادراتی مملکت که يك مقدار زیادی ارز برای مانیه میکند از بین نرود زیرا تریاک اگر بماند از مقدار مرفینش کاسته میشود و از قیمتش در بازار های دنیا کاسته میشود بایستی دولت برای فروش این تریاک يك اقدام عاجلی بکند و البته همان طور که عرض کردم بایک اصولی که کلاسر

دولت نرود، راجع سهمیه وارداتی هم همان طور که عرض کردم دستگاه دقیقی نداریم و مخصوصاً یکی از علل بد بختی شهرستانها همین موضوع سهمیه وارداتی است که اگر يك تبصره ایرا مجلس تصویب کرد و موضوع آن از بین رفت بایستی سهمیه را بشهرستانها اختصاص داد و از ترس کارگزار در تهران يك مقدار کاست تا شهرستانها از بین نرود و یکی هم موضوعی که بایستی توجه شود این موضوع تنزلی است که دولت در نرخ بوند میدهد بایستی بوند را دولت قبل از این که تنزل بدهد اعلام بکند که از ماه فلان این قدر تنزل داده میشود تا آن کسانی که امروز میخواهند انداخته بگیرند یا که اند بدهند متوجه باشند که این سفارشی که آنها میدهند و آن کالاییکه میخواهند وارد بکنند از قیمت یونانی که سفارش میدهند کاسته شده یا کاسته خواهد شد تا در سفارش و مقدار کم اندی که میخواهند بدهند تأمل بیشتری بکنند و اینطور باعث ورشکست اقتصادی ما نشوند یکی دیگر از مواردخرابی دستگاه اقتصادی کشور این تصویب نامه های ضد و نقیض است امروز يك تصویب نامه ای میگنود راجع بارز فردا آن تصویب نامه نقض میشود پس فردا تصویب نامه ای صادر میشود و پسین فردا باز آن تصویب نامه را نقض میکنند کما اینکه در دولت آقای حکیمی بود آقایان متوجه شدند که دو تصویب نامه متناقض راجع بارز صادر شد و همچنین در دولت آقای ساعد باز تصویب نامه ای راجع بارز صادر شد و همچنین در دولت آقای هژیر تصویب نامه ای راجع بارز صادر شد این موضوع ارز و این تصویب نامه و مقررات و قوانین ضد و نقیض کاملاً بزبان اقتصادیات این مملکت است و وضع اقتصادی ما را باین روز سیاه انداخته است باید این تصویب نامه ها همه را جمع کرد و این مقررات را جمع کرد و يك مقررات صحیحی برای اینکار بخرج و بطور کلی آقایان اطلاع دارند در گمرک خرمشهر يك دسته بسیار قوی يك باند بسیار متشکلی در امور قاچاق خرمشهر دخالت داشتند ، چند نفر از آقایان نمایندگان هم در این مجلس صحبتهاي کردند و مذاکراتی کردند و حتی همکار محترم ما آقای دکتر راجی که خیلی هم علاقه مند باین موضوع بود سه مرتبه هم در پشت تریبون راجع باین موضوع صحبت کردند ولی همان دستهای قوی که عرض کردم نیکندارد غارتگران را در این مملکت تعقیب بکنند بکلی موضوع بازرسی گمرک جنوب از بین رفت و حالا هم با زدن این بودجه دیگر هیچوقت نه امثال آقای لطفی و نه آقای اکرمی و نه آقای امینی آنجا خواهند رفت و نه بازرسی خواهد شد (وزیر دارائی - از بودجه بازرسی کل کشور يك قران هم نرود ایم) بودجه محرمانه اش را عرض میکنم اگر زنده اید بسیار

خوب است بنده میرسم که چرا تعقیب نمیکند و بنده موقعیتی بدست آوردم که سؤال کنم رفتن آقای لطفی بخرمشهر و گرفتن آن پرونده یا رفتن آن آقای امینی و آقای اکرمی که همه آقایان هم تأیید کردند که اینها از مردمان شرافتمند این مملکت هستند آن پروندهها چطور شد؟ (وزیر دارائی- مشغول تعقیبند) این را بنده شنیدم که در حدود سی، چهل میلیون تومان دزدی و غارتگری شده است در همین گمرکات جنوب ایران و خرمشهر خوب باید باین کار رسیدگی شود آقا (معتمد دماوندی - پرونده اش را سوزانده اند) بنده شنیدم که آقای لطفی گفته است استاندار آنجا عوض نشده من بهیچ عنوان حاضر نیستم برگردم بروم بخرمشهر این خودش واقعا يك مشکلی است آنرا ده سال است این دولت ها که ما داریم يك وزیري مثل آقای دکتر انبال سپهبد امیراحمدی خود آقای گلشانیان و سایر آقایان و حتی خود آقایان نمایندگان نتوانسته اند پشت سرهم موقعیت خودشان را حفظ کنند و چون هیچ کابینه ای تا حالا نتوانسته است این معما را حل بکند و اگر قدرت دولت مرکزی هست آن قدرت دولت مرکزی را در خرمشهر و در خوزستان چرا اعمال نمیکند؟ (بهجهانی- چه ایرادی دارید آن ایرادی که دارید بفرمائید) (معتمد دماوندی- ایراد آن است که در رأس قاچاقچها قرار دارد) اجازه بفرمائید آقای لطفی گفته است تا این استاندار آنجا باشد من بخوزستان نمیروم ، وقتی که اینجا يك چیزی گفته میشود چهار نفر و کيل يايک نفر و کيل ميگويد آقا اشتباه میکنی و این سرش بسر شاه میماند و اصلاً آدم باین خوبی و تنها همین آدم است که باید هشت سال یا ده سال استاندار باشد (دکتر بقائی- استاندار نیست آقا نایب السلطنه است) عرض کنم که یاد شاه بی تخت و تاج خوزستان است آخر اگر دولت مرکزی قدرت دارد (دکتر بقائی- کی همچو ادعائی کرده است) وقتی که میگويند استاندار خوزستان چنین است میگويند نه آقا آدم خوبی است بنده عرض میکنم در دوره آقای قوام السلطنه استاندار خوزستان را عوض کردند و احضارش هم کردند و بجای او استاندار تعیین کردند هیچ مانعی هم نبود من نفهمیدم چطور شد زور ایشان هم نرسید در حالیکه کس دیگری هم بجایش تعیین شده بود ولی یکمرتبه آن جریان عوض شد مثل این است که قدرت دولتهای مرکزی باین قسمت خوزستان نرسید در همه جنا این قدرت هست ولی خوزستان يك دولت در داخل دولت است و حالا هم که موضوع واگذاری املاک خوزستان در نزدیکی داشته باشد یا هر اندازه خصوصیت داشته باشد یا هر اندازه بیشتر در مجلس موافق دارد و فریاد کرده باشد یا بیشتر سسته پاره کرده باشد باو بیشتر میدهند (بهجهانی - این طور نیست آقا شما عرض دارید) عرض بنده این است آقای بهجهانی که میخواهم اهالی خوزستان هم مثل اهالی کرمان ، مثل اهالی اصفهان ، مثل اهالی تهران ، مثل اهالی سایر نقاط آنها هم از حکومت دمکراسی استفاده کنند آنها هم حقدارسته باشند که در سر نوشت خودشان دخالت بکنند بآنها هم اگر تندی شود بتوانند صدایشان بلند شود

برادر زن شما چرا تبعید شد از خوزستان آمدن تهران پرونده دارد در وزارت کشور آمد اینجا فریاد زد و گفت که چرا مرا تبعید کرده چرا رسیدگی نمیکند کارهائی که اینها کرده اند رسیدگی بشود آن وقت ملاحظه خواهید فرمود که بنده عرض دارم یا آن کسی که برای دوره آتیه خودش اینجا صدایش را کلفت میکند آن عرض دارد (بهجهانی - بنده نماینده اهوازم نماینده اراک نیستم نماینده طبعی معلم) امینوارم که اگر ایشان هم استاندار آنجا نباشند شما هم وکیل طبعی باشید من عرض خاصی ندارم (دکتر بقائی - دزدیها را باید گفت هر که میخواهد باشد) والله بتمام مقدسات فرقی ندارد خوزستانی میخواهد باشد سیستانی میخواهد باشد بنده برای آب سیستان هم اینجا سؤال و استیضاح کردم کرمانی میخواهد باشد برای بنده تفاوت نمیکند من سعادت ملت ایران را میخواهم و همه آقایان باید سعادت ارضی و سیاسی و اجتماعی ملت ایران را بخواهند از این حرفهای ما چرا آتش را زیر خاکستر نگاه داریم این حرفها و این اعضاها و این پرده پوشیها آتش زیر خاکستر است این کار خودش را خواهد کرد تا يك روزی خدای نکرده موجبات تجزیه این مملکت را فراهم کند خوزستانی برای من شریفتر از هر کجائی است که تصور بکنید او هم ایرانی است من هم ایرانی هستم او هم مالیات میدهد تبریزی هم مالیات میدهد اصفهانی هم مالیات میدهد همه باید استفاده کنند خوزستان بآن بزرگی که رود کارون بآن بزرگی از کنارش میگذرد ، آن نهرهای بآن بزرگی از زمینهای بآن استعدادهای بایستی هدر رود الان میگويند زمین ها را قسمت کنند يك دستی هست يك جریانی هست که نیکندارد آباد شود این را بایستی گفت الان هم که میخواهد املاک آنجا و آنگذار شود صورت این زمین هارامن تمنی میکنم آقایان اعضای دولت میخواهند ببینند یکی داده اند یک نفر کشاورز آمده که دو جریب بگیرد نداده اند ؛ ولی فلان متنفذ آمده گفته ده هزار هکتار شصت هزار هکتار نود هزار هکتار صد هزار هکتار گرفته است فلان کارمند بازنشسته در تهران که ۹۰ سال از عرش گذشته این هشتاد هزار هکتار از خوزستان میخواهد چه کند؟ (بهجهانی - آقا صورتش را خودتان بخوانید) بنده خودم یکی را گرفته ام عرض کنم آنها آمده اند این اراضی حاصلخیز خوزستان را باین ترتیب میخواهند بین يك چند نفری قسمت کنند البته باید يك کسی باشد که بآنها کمک کند و هر کسی کمک کرد او را حفظش میکنند بلاوه از قدرتيکه در هیت حاکمه برای خود بوجود آورده اند یعنی از افراد هیأت حاکمه استفاده میکنند متأسفانه از نفوذ دولت خارجی هم استفاده میکنند ، آنها هم از اینها حمایت میکنند ، این دخالت در امور کشور است - هیچ بيگانه ای حق ندارد در امور داخلی ایران دخالت بکند و من باهر خارجی خواه شمالی خواه جنوبی خواه ینگی دنیائی هر کجا که باشد با دخالتش در امور داخلی ایران مخالفم برای من فرقی میکند نه جنوب دارد نه شمال ، نه چپ دارد و نه راست ، باید حیات سیاسی ایران حفظ شود ایران

باید اختلاس حفظ بشود تمامیتش حفظ شود شمال هم حق ندارد دخالت کند (دکتر بقائی- بعضیها خودمونی ترند) خوب بنده خودمونی و غیر خودمونی برابم ندارد و هر جا که دخالت شود خواهم گفت و تازمانی هم که اینجا وظیفه مقدس نماینده گیر دارم باهر نوع نفوذ خارجی مبارزه میکنم و نفوذ خارجی را مضر برای این مملکت میدانم بدبختی و پیرشانی صد پنجاه ساله اخیر ایران آقایان تاریخ را ورق بزیند ملاحظه کنید ببینید از روزی که آندسته تاورنیه دو زمان صفویه آمده اند بایران و از زمانی که سلسله قاجاریه در ایران سلطنت کردند و این خارجیا آمده اند در امور داخلی مملکت ما مداخله کرده اند روز بروز بر پیرشانی و بیچارگی و بد بختی ملت ایران افزوده شده است موقی ملت ایران سعادتمند بوده است که هیچ خارجی در امور داخلش دخالت نداشته است بگورزی ایران آنقدر در جهان قدرت داشت که در امور خارجیا دخالت میکرد ولی حالا کار مملکت بجائی رسیده است که امروز خارجیا بوسيله اینها ، بوسيله اعضای هیأت حاکمه در اوضاع داخلی ما دخالت میکنند نمیخواهند خوزستان آباد شود، چرا نمیخواهند؟ ... برای اینکه می بینند اگر خوزستان آباد شود ، علمه ای کاروزی ۲۵ ربال میگيرد در شرکت نفت و از صبح تا شام جان میکند این میرود دنبال کشت و زرعش ، دنبال زراعتش و دیگر دنبال عملگی شرکت نفت نیاید خوزستان سر زمینی است حاصلخیز و خداوند هم در اثر جدیت و فعالیت آنها بآنها هم گونه وسيله زندگی و رفاه خواهد داد اینست که میخواهند خوزستان خراب بماند و شرکت نفت بتواند از عمه ارزان استفاده کند و بعداً در موضوع شرکت نفت که با مابقی کارمندان ایرانی چه جور رفتار میکند بنده اطلاعاتی دارم باستحضار آقایان میرسانم تا متوجه شوند که خوزستان تنها میتواند اقلا غذای ۱۲ میلیون تا ۲۰ میلیون این مملکت را اگر تا ۲۰ میلیون هم ما جمعیت پیدا کنیم خوزستان به تنهایی بدهد منتهی وضعیتشان طوری است که وقتی قطار مسافر بری خوزستان از کنار ایستگاههای آنجا میگذرد مشاهده میکنید که در مقابل آفتاب سوزان این اهالی بدبخت پای برهنه خوزستان میریزند جلو قطار و بعنوان اینکه يك کاسه ماست میفروشند یا تخم مرغی میفروشد بالاخره زندگی اینها بقدری رقت آور است که برای هر بیننده احساس تالم و تأثر میشود خوب آنهم هموطن ماست و باید زندگی مره و فرهنگ خوب و آسایش داشته باشد در اثر عدم تویه دولت خوزستان خودش يك دولتی در داخل دولت شده است و امینوارم خوزستانیها بیشتر از این در محظور و در فلاکت و در مضیقه و در بدبختی زندگی نکنند و قدمهای سریع و برجسته ای برای عمران و آبادی خوزستان برداشته شود و از هیأت عالی برنامه هم که در رأسش والا حضرت شاهپور عبدالرضا قرار گرفته است و تا آنجا که بنده اطلاع دارم و شنیده ام شخصاً دانش میخواهد که قدمهای اساسی برای عمران و آبادی مملکت بردارد يك مسافرتی بخوزستان بکنند مقدم بر اصلاحات سایر شهرستانها اصلاحات خوزستان را بدانند و زندگی مردم را از

نزدیک ببینند و مهندسين و هیأتهاي که احرام میشوند اول بآنجا احرام کنند تا هر چه زودتر يك قدمهای اصلاحی آنجا برداشته شود ، ولی عرض کردم بنده که مایوسم ، با بودن چنین شخصی در خوزستان هیچ امید بهیودی در خوزستان دیده نمیشود. یکی دیگر از مواردی که بنده راجع به بودجه اعتراض دارم راجع باملاک و گذاری است در ردیف عایدات و املاک و همچنین در ردیف هزینه املاک پیش بینی شده است که در حدود ده میلیون ربال مغار جش است و ۱۷ میلیون عایدات دارد بایک چنین شفری این را که کمسیون بودجه مجلس شورای ملی بدون اینکه تصمیمی راجع بکارمندانش بگیرد پاراجع برقم ۶ میلیونی که از بودجه کل کشور سازمان شاهنشاهی استفاده میکند در بودجه يك کارهائی کرده است البته من در چگونگی واگذاری این املاک و نطقهائی که در دوره ۱۳ شد و همچنین راجع باحساساتی که نمایندگان مجلس در آن دوره بخرج داده اند هیچ صحبتی نمیکند زیرا در موقعی که خود لایحه مطرح شود البته آنطوریکه مصلحت مملکت و ملت مصلحت خود را بعرضت همایونی باشد از روی کمال بیفرضی و خیرخواهانه بعرض خواهم برسانید ولی آنچه را که از لحاظ بودجه باید بعرض برسانم موضوع عدم توجه دولت است باین ارقام ۶ میلیون تومان از بودجه بنام سازمان خدمات شاهنشاهی میدهم حالا این ۶ میلیونی که میدهم طبق قانون اساسی باید يك وزیر مسئول در مجلس داشته باشم که از او بخواهم مؤاخذه کنیم که بچه مصرفی رسیده است حالا بنده حرفی ندارم آنوقتی که این املاک از طرف شاه سابق باعلیحضرت فعلی واگذار شده است که به صرف امور خیریه برسانند و صورت ظاهرش این بود که چون ۶ میلیون از این بودجه را برای مصرف خیریه میخواهند بدهند البته این کار خلاف قانون بود ولی البته تا يك حدودی چون املاک از طرف شاه سابق باعلیحضرت فعلی داده میشد که به صرف امور خیریه برسد ما هم آنجا مخالفتی نکردیم یا نمیکردیم و یا نکردیم و توجهی نشد ولی حالا يك مساله اساسی است ۶ میلیون تومان اینجا بودجه سازمان خدمات شاهنشاهی اختصاص داده است که بگیرد و اگر بخواهد که این ۶ میلیون را باز هم بگیرد برخلاف قانون اساسی است زیرا پولی که از بودجه مملکت صرف میشود باید وزير مسئول داشته باشد وزیر مسئول آن کیست؟ باید وزير مسئول داشته باشد و معلوم باشد که وزير مسئول این ۶ میلیون کیست که اگر خواستند دوهزار تومان بیک نفر بدهند بگویند نه من نمیدهم و ۱۹۵۱ تومان میدهم اتمویل هم نمیدهم (دهقان- آنجاهاي را که خراب است بفرمائید) برای مثال عرض کردم از این تاریخ بيمد این بودجه باید مسئول داشته باشد (دهقان- آنجائی که خدماتش مشهود است آقای مکی چرا اسم میاورید آنها که خراب است بفرمائید) همه جا خراب است بهر کجا که روی ... هر يك از آقایان وزراء میخواهند اینجا بگویند که وزارتخانه من بهتر از وزارتخانه های دیگر است و یا این دولت بهتر از دولتهای دیگر بافاد مبارزه میکند

این را نه بنده و نه ملت ایران و نه آقایان وزرا هیچکدام قبول نمیکند (دهقان - تفاوت بسیار محسوس دارد) تفاوت زیادی ندارد مثلا فرض بفرمائید شما یک وزیری میگناید یک اشخاصی میآورید آن یکی را یک پست عالیتری باو میدهند همیشه این بوده و اوضاع همینطور بوده است و علت بدبختی ما هم همین است برای اینکه این روی یک قاعده بخصوصی نیست فساد عمومی است و در یک نقطه بخصوصی نیست که بگوئیم آقای دکتر اقبال وزیر کشور با این ۵۰ نفری که بیرون کردند دست فاسد همین دست ۵۰ نفر بودند و اینها را بیرون کرده اند و دیگر فساد نیست

دکتر بقائی - عده کافی نیست

۶ - موقع جلسه بعد - ختم جلسه

نایب رئیس - وقتی که لایحه بودجه مطرح است ساعت جلسات بایستی از ۵ ساعت کمتر نباشد (ملک مدنی - قیلا باید اخطار شود) ولی چون این جلسه آقایان مسبوق نبودند بنابراین این جلسه را ختم میکنیم جلسه آینده برای سه شنبه ساعت هشت

قانون

اجازة پرداخت یکدوازدهم حقوق وهزینه کل کشور بابت خرداد ماه ۱۳۲۸

ماده واحده - بوزارت دارائی اجازه داده میشود حقوق وهزینه های مستمر وغير مستمر وزارتخانهها و

صبح تا یکساعت بعد از ظهر جلسه خواهد بود (صبح است)

(در اینوقت یکساعت وربع بعد از ظهر جلسه ختم و جلسه آینده بصبح سه شنبه ساعت ۸ موکول گردید)

رئیس مجلس شورای املی - رضا حکمت

ادارات وبنگاههای دولتی و سایر هزینه های کشور را اعم از مصارف عمومی و عمرانی در خردادماه سال ۱۳۲۸ در حدود یکدوازدهم اعتبارات سال ۱۳۲۷ و اضافه اعتباراتی که در سال ۱۳۲۸ بتصویب رسیده با رعایت تبصره ۱ ماده واحده قانون مصوب دوم آبان ماه ۱۳۲۴ و سایر قوانین و مقررات مالی و کدک هزینه کارمندان وخدمتگزاران کشوری و لشکری را مطابق قوانین و آئین نامه های مربوطه از درآمد عمومی سال جاری کشور پرداخت نماید

این قانون که مشتمل بر یک ماده است در جلسه پنجم تیرماه یکهزار و سیصد و بیست و هشت بتصویب مجلس شورای ملی رسید

رئیس مجلس شورای ملی - رضا حکمت

قوانین

شماره ۴۴۱۵ ۳۲۸-۳-۳۱
وزارت دارائی - فرهنگ

فرمان همایونی راجع باجرای قانون تاسیس دانشگاههای شهرستانها بانضمام قانون مزبور که در جلسه سه شنبه سوم خرداد ماه یکهزار و سیصد و بیست و هشت بتصویب مجلس شورای املی رسیده است ذیلا ابلاغ میگردد

بائیدات خدانند متعال

پهلوی شاهنشاهی ایران

مجل صحه مبارک
نظر باصل بیست و هفتم متمم قانون اساسی مقرر میداریم

ماده اول - قانون تاسیس دانشگاه های شهرستانها که در جلسه سوم خرداد ماه یکهزار و سیصد و بیست و هشت بتصویب مجلس شورای املی رسیده و منضم باین دستخط است بوقع اجرا گذاشته شود

ماده دوم - هیئت دولت مأمور اجرای این قانون هستند

قانون تاسیس دانشگاههای شهرستانها

ماده واحده - وزارت فرهنگ مجاز است دانشگاه تبریز را که در سال گذشته تاسیس شده تکمیل نماید و همچنین در شهرستانهای مشهد و اصفهان و شیراز و هر شهرستان دیگری که وزارت فرهنگ لازم بداند بتوسیع که وسایل و موجبات فراهم میشود بتاسیس دانشگاه و در اهواز بتاسیس یک دانشگاه پزشکی اقدام نماید

دانشکده هائی که در هر محل تاسیس میشود باید با توجه باستعداد و احتیاجات خاصه آن محل بوده و ممکن است در صورت لزوم ابتدا بصورت مدارس عالی که احتیاجات محلی را تامین نماید تاسیس گردد

تبصره ۱ - وزارت فرهنگ مکلف است در اجرای این قانون تاسیس دانشگاه پزشکی و کشاورزی را در استانها مقدم بدارد

تبصره ۲ - شرایط اساسی دانشگاهها از جهات اداری و مالی و تعلیماتی و استخدامی و غیره برطبق قانون تاسیس دانشگاه تهران و سایر قوانین مربوطه خواهد بود و مادام که شورای هردانشگاه تاسیس نشده وظایف شورای دانشگاه را شورای هردانشگاه بتصویب وزیر فرهنگ انجام خواهد داد و وزارت فرهنگ مجاز است در صورتیکه برای بعضی رشته های دروس و عملیات در هر یک از دانشگاهها استاد و معلم متخصص ایرانی یافت نشود از استادان و متخصصین خارجی بموجب قوانینی که بتصویب مجلس شورای املی خواهند رسانید استفاده نماید

تبصره ۳ - بر رئیس و معاون دانشگاه و دانشکده ها و همچنین با استادان و معلمین در صورتی که غیر محلی باشند تا یک برابر حقوق ممکن است علاوه بر فوق العاده های قانونی بعنوان مزایا پرداخت شود مقررات راجع به برقراری مزایای فوق بموجب تصویب هیئت وزیران خواهد بود

وزارت فرهنگ میتواند از استادان و معلمین دانشگاه تهران نیز با موافقت شورای دانشگاه تهران با پرداخت مزایای

انتصابات و احکام

شماره ۶۴۹۸-۱۶۷۴ ۲۷-۳-۱۷
در وزارت کشور

آقای اسمعیل خدا دوست بخشدار آستانه از تاریخ ۲۸-۳-۲۸ سمت بخشدار سیاهکل منتقل شدند

وزیر کشور

شماره ۲۰۰۰۸-۴۹۲۳ ۲۸-۳-۱۶

آقای رحیم میر حیدری بخشدار مراوه تپه از تاریخ اول اردیبهشت ماه ۲۸ سمت بخشدار کبشکان منتقل شدند

وزیر کشور

شماره ۲۰۰۳۶-۴۹۶۰ ۲۸-۳-۱۶

آقای رضا میرفخرائی منشی فرمانداری سراوان از تاریخ ۱۶ خردادماه ۲۸ سمت بخشدار نوبران منتقل شدند

وزیر کشور

شماره ۲۳۶۰۶-۴۲۴۰ ۲۸-۳-۱۶

آقای عباس ناصر حسینی بخشدار نوبران از تاریخ شانزدهم خرداد ماه ۲۸ سمت بخشدار معلم کلایه منتقل شدند

وزیر کشور

فوق برای دانشگاه شهرستانها استفاده نماید

تبصره ۴ - دولت مکلف است همه ساله اعتبارات لازم را برای تاسیس و توسعه دانشگاههای شهرستانها در بودجه وزارت فرهنگ منظور بدارد

تبصره ۵ - وزارت بهداشت و شهرداری ها و همچنین سایر مؤسسات مربوط بدولت مکلف هستند که بیمارستانها و وسایل دیگر را با کلیه تجهیزات و کارمندی که دانشگاه انتخاب مینماید در اختیار دانشگاه های هر شهرستان قرار داده و بودجه و اعتبارات مربوط بانرا بودجه وزارت فرهنگ انتقال دهند و نیز اجازه داده میشود که صرفه جوئی های بودجه سال ۱۳۲۶ بعمد دانشگاههای فوق در سال مالی بعد بصرف خرید زمین و ساختمان و تهیه کتب و لوازم آزمایشگاه برسد

تبصره ۶ - وزارت فرهنگ میتواند در هر یک از دانشگاه های علوم و ادبیات شهرستانها که لازم بداند دروس تربیتی را جزو برنامه قرار داده و فارغ التحصیل های این رشته را مشمول مقررات و قوانین مربوط بفارغ التحصیل های دانشسرای عالی قرار دهد

تبصره ۷ - انتقال اعتبارات فرهنگی ولایت بمرکز یا از شهرستانی بشهرستان دیگر ممنوع است این قانون که مشتمل بر یک ماده و هفت تبصره است در جلسه سه شنبه سوم خرداد ماه یکهزار و سیصد و بیست و هشت بتصویب مجلس شورای املی رسید

رئیس مجلس شورای املی - رضا حکمت

اصل فرمان همایونی و قانون در دفتر نخست وزیر است

شماره ۶۹۷۴-۳۰۱۹ ۲۸-۳-۲۸
آقای قاضی دوست محمد فاضلی سردفتر ازدواج و طلاق تایید باخرز مشهد

نظر باینکه بر اثر گزارش واصله مرتکب تغلفاتی شده اید وزارت دادگستری طبق ماده ۳۹ قانون دفتر اسناد رسمی شماره از تصدی دفاتر ازدواج و طلاق معلق مینماید

وزیر دادگستری

شماره ۶۹۸۰-۳۶۸۳ ۲۸-۳-۲۸

آقای جعفر حاجی حجت نگرودی بوجوب این ابلاغ دفتر شما را در لنگرود برای ثبت ازدواج رسمیت میدهد

وزیر دادگستری

شماره ۶۹۸۴-۳۶۵۹ ۲۸-۳-۲۸

آقای سید علی هاشمی سردفتر ازدواج ساردوئیه کرمان

بوجوب این ابلاغ دفتر شما را در ساردوئیه برای ثبت طلاق رسمیت میدهد

وزیر دادگستری

شماره ۶۹۹۰-۳۳۰۲ ۲۷-۳-۲۸

آقای مهدی امامی جمعه سردفتر اسناد رسمی درجه دوم علویچه اصفهان

بوجوب این ابلاغ محل رسمیت دفتر شما بشهر اصفهان تبدیل میشود و اجازه ثبت معاملات ملکی هم بشما داده میشود

طبق مقررات مشغول انجام وظیفه شوید

وزیر دادگستری

شماره ۶۹۹۲-۳۱۳۰ ۲۸-۳-۲۸

آقای محمد امین اصیلی انصاری سردفتر ازدواج قریه پیران دهستان گاو رود کردستان

بوجوب این ابلاغ محل رسمیت دفتر شما بقریه ذاقان کردستان تبدیل میشود

وزیر دادگستری

شماره ۶۹۹۲-۳۲۱۳ ۲۸-۳-۲۸

آقای سید مختار حسینی سردفتر ازدواج و طلاق حوزه فین و رضوان گهر بندر عباس

نظر باینکه بر اثر گزارش واصله مرتکب تغلفاتی شده اید وزارت دادگستری طبق ماده ۳۹ قانون دفتر اسناد رسمی شما را از تصدی دفاتر ازدواج و طلاق معلق مینماید

وزیر دادگستری

شماره ۷۰۱۸-۳۸۰۴ ۲۸-۳-۲۹

آقای سید یحیی رضوی زاده بوجوب این ابلاغ دفتر شما را در قریه هونجان اصفهان برای ثبت ازدواج رسمیت میدهد

وزیر دادگستری

شماره ۶۹۹۴-۳۲۸۲ ۲۸-۳-۲۹

آقای سید امیر قتالی سردفتر سابق ازدواج و طلاق قریه خمیر بندر عباس

بوجوب این ابلاغ مجدداً دفتر شما را در قریه خمیر برای ثبت ازدواج رسمیت میدهد

وزیر دادگستری

شماره ۶۹۶۴-۴۱۴۴ ۲۸-۳-۲۸
آقای ابوالقاسم امامی سردفتر اسناد رسمی
و ازدواج زرنده ساوه
 بموجب این ابلاغ استعفای شما از تصدی دفاتر اسناد رسمی و ازدواج پذیرفته میشود.
 وزیر دادگستری

شماره ۶۹۶۶-۴۱۴۱ ۲۸-۳-۲۸
آقای محمدصادق موسوی دهقی سردفتر
اسناد رسمی و ازدواج و طلاق دهکده
تجره گلپایگان
 بموجب این ابلاغ محل رسمیت دفاتر شما به دهکده دمق اصفهان تبدیل میشود طبق مقررات مشغول انجام وظیفه شوید.
 وزیر دادگستری

شماره ۶۹۶۸-۴۱۴۲ ۲۸-۳-۲۸
آقای محمد رضا امامی سردفتر
اسناد رسمی و ازدواج و طلاق دهستان
دهق عربستان اصفهان
 بموجب این ابلاغ محل رسمیت دفاتر شما به دهستان علویچه اصفهان تبدیل میشود طبق مقررات مشغول انجام وظیفه شوید.
 وزیر دادگستری

شماره ۶۹۷۰-۳۹۶۶ ۲۸-۳-۲۸
آقای حیدر شریمان خوزانی سردفتر
اسناد رسمی و ازدواج سده اصفهان
 نظر باینکه بر اثر گزارش واصله در مورد ثبت ازدواج مرتکب تخلفاتی شده اید وزارت دادگستری طبق ماده ۳۹ قانون دفاتر اسناد رسمی شما از تصدی دفتر ازدواج معلق مینماید.
 وزیر دادگستری

شماره ۷۰۲۰-۳۷۲۷ ۲۸-۳-۲۹
آقای سید محمد مجتهدی سردفتر
اسناد رسمی مشهد
 نظر باینکه بر اثر گزارش واصله مرتکب تخلفاتی شده اید وزارت دادگستری طبق ماده ۳۹ قانون دفتر اسناد رسمی شما از تصدی دفتر اسناد رسمی معلق مینماید.
 وزیر دادگستری

شماره ۷۰۲۲-۳۷۰۲ ۲۸-۳-۲۹
آقای محمد اسمعیل هوشمند سردفتر
ازدواج و طلاق قهاب صرصر دامغان
 نظر باینکه بر اثر گزارش واصله در مورد ثبت ازدواج مرتکب تخلفاتی شده اید وزارت دادگستری طبق ماده ۳۹ قانون دفاتر اسناد رسمی شما از تصدی دفتر ازدواج معلق مینماید.
 وزیر دادگستری

شماره ۶۹۰۶-۳۶۸۱ ۲۸-۳-۲۸
آقای غلامعلی معزی سر دفتر
ازدواج شهر رشت
 بموجب این ابلاغ دفتر شما را در رشت برای ثبت طلاق رسمیت میدهد.
 وزیر دادگستری

شماره ۶۹۴۴-۳۴۲۳ ۲۸-۳-۲۸
آقای صفر علی دریائی
 بموجب این ابلاغ دفتر شما را در شهر تهران برای ثبت ازدواج رسمیت میدهد.
 وزیر دادگستری
 شماره ۶۹۴۲-۴۱۴۳ ۲۸-۳-۲۸
آقای حسن خوئی
 بموجب این ابلاغ دفتر شما را در شهر خوی برای ثبت ازدواج رسمیت میدهد.
 وزیر دادگستری

شماره ۶۴۴۶-۳۷۶۹ ۲۸-۳-۲۲
آقای علیمحمد طاهری سردفتر ازدواج
و طلاق دهستان کوه میش سبزوار
 بموجب این ابلاغ محل رسمیت دفاتر شما بشهر سبزوار تبدیل میشود طبق مقررات انجام وظیفه نمائید
 وزیر دادگستری

شماره ۶۴۴۲-۳۷۶۷ ۲۸-۳-۲۲
آقای علیمحمد طاهری
 بموجب این حکم بسمت سردفتری اسناد رسمی درجه سوم سبزوار منصوب میشود طبق مقررات مشغول انجام وظیفه شوید.
 وزیر دادگستری

شماره ۶۴۴۸-۳۴۱۱ ۲۸-۳-۲۲
آقای لطف‌الله انصاری سردفتر ازدواج
و طلاق پسر طالش گیلان
 نظر باینکه بر اثر گزارش واصله با اتهام جعل در اسناد واقعه ازدواج تحت تعقیب جنائی واقع شده اید وزارت دادگستری طبق ماده ۳۹ قانون دفتر اسناد رسمی شما را از تصدی دفاتر ازدواج و طلاق معلق مینماید.
 وزیر دادگستری

شماره ۶۴۳۶-۳۲۰۸ ۲۸-۳-۲۲
آقای حسن مردانی
 بموجب این ابلاغ دفاتر شما را در قصبه طوج تبریز برای ثبت ازدواج و طلاق رسمیت میدهد
 وزیر دادگستری
 شماره ۶۴۷۰-۳۱۰۸ ۲۸-۳-۲۲
آقای اسحق حیم‌دیان زاده
 بموجب این ابلاغ دفاتر شما را در بوشهر برای ثبت ازدواج و طلاق رسمیت میدهد.
 وزیر دادگستری